

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) مقدمه

<b>تعریف آدک</b>	مجموعه اصول مقرراتی است برای کشف جرم - تعقیب متهم - تحقیق از او - تعیین صلاحیت - روش کار مراجع تحقیق و حکم - تجدید نظر از تصمیمات اجرای احکام کیفری	
<b>محتوای آدک</b>	چگونگی نشان دادن واکنش در برابر مجرم و عمل مجرمانه - پل ارتباطی میان جرم و مجازات ( تعقیب بر عهده دادستان - تحقیق بر عهده بازپرس - محاکمه بر عهده قاضی - اجرای حکم بر عهده دادستان )	
<b>هدف</b>	اعاده نظم لطمه دیده از جرم از طریق سازماندهی نهادهای عدالت کیفری حفظ حقوق و آزادی های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزهکاری	
<b>شباهت با آدم</b>	در هر دو سخن از نحوه رسیدگی دادگاه ها به دعاوی است.	
<b>تفاوت با آدم</b>	<div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;"> <p>دادرسی کیفری ← یک طرف دادستان (نماینده جامعه) و طرف دیگر متهم</p> <p>۱- موضوع</p> <p>۲- اصحاب دعوی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>دادرسی کیفری ← امور جزایی</p> <p>دادرسی مدنی ← امور حقوقی</p> <p>دادرسی مدنی ← دونفر شخصی یا حقوقی به عنوان خواهان و خوانده</p> </div> </div>	
<b>رجوع به آدم در امور کیفری</b>	<p>در مواردی که درباره موضوع ، حکمی در آیین دادرسی کیفری نباشد به شرط آنکه:</p> <p>۱- ماده موجود در دادرسی مدنی با دادرسی کیفری تعارض نداشته باشد.</p> <p>۲- حقی را از متهم یا مثاکمی ضایع نکند.</p>	
<b>خصوصیات آدک</b>	<p>اصولا قوانین آیین دادرسی کیفری شکلی هستند ( ویژگی های قوانین شکلی ) ۱- تفسیر موسع و تفسیر از طریق قیاس برای اجرای بهتر عدالت و کشف حقیقت</p> <p>۲- اجرای فوری (عطف به ماسبق شدن به همان دلایل مذکور)</p>	
<b>اتهامی</b>	<p>۱- اولین و قدیمی ترین شیوه ۲- لزوم طرح شکایت برای رسیدگی ۳- علنی بودن ۴- شفاهی بودن ۵- ترافیعی بودن</p> <p>مزیت : حقوق دفاعی متهم را به خوبی تامین می کند.</p> <p>عیب: عدم تامین منافع اجتماعی در اثر لزوم دخالت بزه دیده برای تعقیب و محدود بودن قاضی برای قبول دلایل مشخص و از پیش تعیین شده.</p>	
<b>تفتیشی</b>	<p>۱- خواستگاه: امپراطوری روم سفلی ۲- وجود مرجعی برای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم (قابل شدن حقی مستقل برای جامعه)</p> <p>۳- غیر علنی بودن ۴- کتبی بودن ۵- غیر توافعی بودن</p> <p>مزیت: دفاع به خوبی از جامعه (قابل شدن مستقل برای جامعه) .</p> <p>عیب: در معرض تجاوز قرار داشتن متهم در برابر قاضی به خاطر غیر علنی و غیر ترافیعی بودن محاکمه</p>	
<b>مختلط</b>	تفکیک دو مرحله تحقیق و محاکمه: مرحله تحقیق: نظام تفتیشی	
<b>تعادلی</b>	تحول در نظام مختلط: کاسته شدن از نقیشتی بودن مرحله تحقیق	
<b>اسلامی</b>	<p>۱- عدم تفکیک مرحله تحقیق از محاکمه ۲- وحدت قاضی ۳- یک درجه ای بودن رسیدگی مگر در موارد استثنائی.</p>	

نظام های دادرسی کیفری و ویژگی آنها

## دعاوی ناشی از جرم

<b>دعاوی ناشی از جرم :</b> ۱- دعاوی عمومی: برای اجرای مجازات یا اقدامات تامینی به مرتکب جرم ۲- دعاوی خصوصی: برای جبران خسارت زیان دیده از جرم	
<b>مرجع تعقیب</b>	امروز مرجع دعاوی عمومی در بسیاری از کشورها از جمله ایران دادسرا است.
<b>پارک (مدعی العموم)</b> <b>تاریخچه دادسرا</b>	۱- سابقه: قرن چهاردهم میلادی در فرانسه- پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) دادسرا حفظ شد اما اختیار شروع به تعقیب از آن سلب شد ولی اندکی بعد دوباره داد سرا به صورت کنونی باز سازی شد. ۲- در ایران: در سال ۱۲۹۰. ش با اقتباس قانون اصول محاکمات جزائی از قوانین فرانسه به حقوق ایران راه یافت و با تصویب قانون اصول تشکیلات دادگستری (۱۳۰۷) مرجع تعقیب به عنوان مدعی العموم شناخته شد که دو وظیفه بر عهده دادستان: ۱- حفظ حقوق عامه ۲- نظارت بر حسن اجرای قوانین با تصویب قانون ت. د. ع. ۱ در تاریخ ۱۵ / ۴ / ۷۳ دادسرا ها منحل شدند و وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضائی نهاده شد ولی دیری نپایید ظرف کمتر از یک سال با اصلاح قانون مذکور، معروف به قانون احیاء دادسراها در سال ۱۳۸۱ داد سرا ها دوباره تشکیل یافتند.
<b>وظایف دادسرا ها</b>	۱- کشف جرم ۲- تعقیب متهم ۳- اقامه دعوی از جنبه حق الهی ۴- حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی ۵- اجرای حکم ۶- رسیدگی به امور حسبیه ۷- رسیدگی به برخی امور حقوقی، مثلاً: نصب قیم ( ماده ۱۲۳۳ ق.م) نصب امین برای غایب مفقودالأثر (ماده ۱۰۱۲ ق.م)
<b>سلسله مراتب دادسرا</b>	در یک دادسرا، دادستان، معاون دادستان، دادیار از لحاظ سلسله مراتب در <u>طول</u> هم قرار دارند. دادیار علاوه بر تبعیت از نظرات دادستان ملزم به رعایت نظر معاون او نیز هست و کلیه قرار های دادیار باید با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر دادستان متبع است. باز پرس: از قضات دادسرا بوده ولی تابع سلسله مراتب نیست. و جز در موارد استثنائی تکلیفی به تبعیت از دادستان ندارد. سلسله مراتب: فقط در میان قضات حوزه یک دادسرا وجود دارد و دادیار حوزه قضایی یک شهر ستان از نظر دادستان حوزه قضایی دیگر تبعیت نمی کند.
<b>ویژگی دادسراها</b>	در دادسرا، دادستان، معاون او، دادیار، هر یک ممکن است به جای یکدیگر انجام وظیفه کنند. مثلاً دادستان در پرونده هایی که خود شخصا صلاحیت انجام تحقیقات را دارد می تواند خود شخصا به این کار بپردازد (و نیز در دفاع از کیفر خواست) یا آن را به معاون یا یکی از داد یار ها واگذار نماید. در برابر دادگاه: دادگاه اگر در جریان رسیدگی از وقوع جرمی مطلع شد نمی تواند شروع به تعقیب آنرا از دادسرا بخواهد و چنانچه دادسرا کیفرخواست صادر کرد دادگاه موظف به رسیدگی است. در برابر متهم و شاکی: می تواند هر تحقیقی را لازم باشد انجام دهد - هر قرار تامینی که ضروری دانست صادر کند - بدون تقاضای شاکی تعقیب کیفری را به جریان اندازد یا حتی در صورت شکایت قبلی شاکی، به گذشت او تربیت اثر نداده و تعقیب را همچنان ادامه دهد.
<b>قابلیت رد بودن قضات دادسرا</b>	باز پرسی و دادیار به عنوان قضات تحقیق قابل رد هستند و نیز در جهات رد خود باید از رسیدگی به پرونده خو داری کنند. دادستان: در مورد رد وی به علت وجود نداشتن نص در قانون ابهام وجود دارد زیرا ماده ۳۳۵ ق.آ.د. ک نسبت به دادسرا قابل اجراء نیست ولی با در نظر گرفتن روح مواد می توان گفت باید از دخالت در پرونده در صورت وجود جهات رد خودداری می کند.
<b>عدم مسئولیت</b>	در صورت برائت متهم از اتهام، دادسرا را نمی توان به جبران خسارت متهم محکوم یا او را مفتری دانست، مگر در صورت ارتکاب یک خطای مشخص

### تشکیلات دادسراها

<b>دادسرای دیوان عالی کشور</b>	<p>دادسرای دیوان عالی کشور: در کنار دیوان عالی کشور انجام وظیفه می کند و به تبع دیوان عالی کشور و شعب آن در تهران - قم - مشهد مستقر هستند.</p> <p>قلمرو صلاحیت محلی آن: تمام کشور</p> <p>وظیفه دادسرای دیوان عالی کشور: که مرکب از دادستان کل - چند معاون - تعدادی دادیار است انجام اموری است که بر عهده دادستان کل قرار گرفت است. به عنوان مثال: ۱- احاله پرونده کیفری از حوزه های به حوزه دیگر (ماده ۶۴ آدک) ۲- در خواست ایجاد وحدت رویه در مورد اختلاف آراء صادره (ماده ۲۷۰ آدک) ۳- در خواست آماده دادرسی بند ۲ ماده ۲۷۳</p>
<b>دادسرای عمومی و انقلاب</b>	<p>دادسرای عمومی و انقلاب: متشکل از تعدادی دادیار و باز پرس تحت ریاست دادستان عمومی و انقلاب است که در راس دادسرا قرار داشته و دارای چند معاون است که کلیه وظایف دادسرا در جرایم مشمول صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب و کیفری استان به آن واگذار شده است.</p> <p>از لحاظ محلی در هر حوزه قضائی شهر ستان ایجاد می شود و دادسرای بخش و استان وجود ندارد.</p>
<b>دادسرای نظامی</b>	<p>دادسرای نظامی: به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح تشکیل شده که مرکب از دادستان - معاون دادستان - دادیار - باز پرس بوده و در کنار دادگاه های نظامی قرار دارد. در مراکز استان ها و شهر هایی که رئیس قوه قضاییه لازم بداند تشکیل می شود و نحوه رسیدگی آنها طبق آ. د. ک ۱۲۹۰ شمسی مشخص شده است.</p>
<b>ویژه روحانیت</b>	<p>دادسرای ویژه روحانیت: در معیت دادگاه ویژه روحانیت عمل می کند که در یازده شهر وجود دارد و صلاحیت آنها رسیدگی (تعقیب و تحقیق) کلیه جرایم و یا اعمال منافی شأن روحانیت - کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد و نیز اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع می گردد ، است که دارای داستان - معاون - دادیار است ولی باز پرس در تشکیلات این دادسراها پیش بینی نشده است.</p>
<b>اصل های مربوط به دادسرا</b>	<p>۱. اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب: دادسرا عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود الهی است. یعنی هر گاه دادسرا به طریقی از وقوع جرم مطلع شود و وقوع جرم برای دادسرا مسلم باشد باید تعقیب کیفری را شروع کند و نمی توان آن را نا دیده گرفت.</p> <p>۲. اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب: فایده این اصل تساوی موقعیت همه افراد در برابر دادسراست. یعنی دادستان باید مجاز باشد که در مواردی که تعقیب کیفری متهم به مصلحت جامعه نیست تحت شرایطی که در قانون پیش بینی شده از تعقیب صرف نظر کرده و از صدور کیفر خواست خودداری نماید. مثل صدور قرار تعلیق تعقیب که با وجود شرایط ذیل ممکن است: ۱- اقرار مقرون به مواقع توسط متهم ۲- فقدان سابقه کیفری موثر ۳- فقدان شاکی خصوصی (در جرائم غیر قابل گذشت) یا استرداد و شکایت از سوی او ۴- جنحه ای بودن اتهام متهم (در صلاحیت انحصاری باز پرس نبودن اتهام) ۵- عدم پیش بینی اتهام در باب دوم قانون مجازات عمومی (تعزیری بودن اتهام و مربوط نبودن به حدود و قصاص و دیات)</p>

- ۱- اقرار متهم: ( اقرار العقلاء علی انفسهم جائز) - در جرائمی که تعقیب آنها منوط به شکایت شاکی خصوصی است اقرار متهم به تنهایی برای شروع به تعقیب کافی نیست و باید منتظر وصول شاکی شده ولی دستورات لازم را برای حفظ آثار و دلایل جرم به ضابطین دادگستری باید داد.
- ۲- شکایت شاکی خصوصی: شکایت می تواند کتبی یا شفاهی باشد و شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء شاکی می رسد. هر گاه شاکی نتواند متهم را معین کند و یا نتواند دلایل کافی برای تعقیب او ارائه دهد دادستان مکلف به شروع تعقیب کیفری برای شناسایی متهم و جمع آوری دلیل است و حتی اگر جرم از جرایم غیر قابل گذشت باشد و شاکی از شکایت صرف نظر کند باز مکلف به تعقیب است.
- ۳- اعلام جرم توسط دیگران (غیر از مباشر، مشارکت، معاون): شرط تعقیب توسط دادستان با اعلام جرم: ۱- شروع به تعقیب منوط به شکایت شاکی نباشد. ۲- اعلام جرم توسط کسی که خود وقوع آنرا دیده باشد و یا صحت ادعایش محرز باشد.
- اعلام جرم توسط: ۱- شهروندان (عدم رعایت آن به عنوان ترک فعل جرم نبوده و قابل مجازات نیست. ۲- توسط ضابطین دادگستری (مقاضات ذی صلاح) در صورت تخلف ضمانت اجرا مقرر شده است

دیار تمان حقوق انجمن علمی پویش  
 دیار تمان حقوق انجمن علمی پویش  
[www.hoogog.blogfa.com](http://www.hoogog.blogfa.com)

## ضابطین دادگستری

<b>ضابطین عام</b>	<p>ضابطین دادگستری در انجام وظایف خود دارای اختیاراتی هستند که حتی می تواند منجر به سلب آزادی شهروندان شود</p> <p><b>ضابطین عام:</b> صلاحیت دخالت در هر جرمی را دارند و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایطی خاص نیست. در حال حاضر تنها ضابط عام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی است و شامل کارکنان این نیرو اعم از وظیفه - کادر- در هر اداره و یگان این نیرو با هر درجه ای می شود.</p> <p><b>ضابطین خاص:</b> صلاحیت دخالت آنها محدود به جرایم خاص یا شرایط معین است و در خارج این شرایط و موارد حق مداخله و اقدام ندارند که عبارتند از:</p>
<b>ضابطین خاص</b>	<p>۱- روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان ( جرایم ارتكابی زندانیان در محیط زندان)</p> <p>۲- مامورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران با وجود شرایط زیر: الف) نوع جرم: فقط جرایم مشهود. ب) اوضاع و احوال: ۱. عدم حضور ضابطین دیگر ۲. اعلام نیاز ضابطین دیگر ۳. عدم اقدام به موقع ضابطین دیگر با وجود حضور در محل به هر دلیل ج) شخص ضابط: دارا بودن مجوز مخصوص.</p> <p>۳- نیروهای مسلح با تصویب شورای عالی امنیت ملی جهت تقویت نیروهای انتظامی در حال ضرورت</p> <p>۴- ماموران وصول عایدات و کشف قاچاق: در مواردی که دوائر دولتی تعطیلند یا دسترسی به آنها نباشد برای جلوگیری از فرار اشخاص که مال قاچاق نزد آنها کشف شده موقتاً آنها را توقیف و به محض افتتاح دوائر مربوط یا دسترسی به مامورین کشف جرم ظرف ۲۴ ساعت به آنها تسلیم می نمایند و در صورت عدم تحویل ظرف مدت مذکور مجازات خواهند شد.</p> <p>۵- فرمانده هواپیما: تا زمانی که مداخله مامورین صلاحیت دار میسر شود جرائم داخل هواپیما را تحقیق و تفتیش مقدماتی کرده و مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف</p> <p>۶- مامورین جنگلبانی ۷- مامورین شکاربانی ۸- مامورین سازمان بنادر و کشتیرانی</p> <p>اعضای سپاه پاسداران: ماموریت سپاه مبارزه با عوامل و جریانهایی که در صدد خرابکاری، براندازی یا اقدام علیه جمهوری اسلامی - نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی از طریق توسل به قوه قهریه باشند - اقدام به خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانون اسلحه و مهمات محل و نگهداری می کنند - همکاری با نیرو های انتظامی در مواقع لزوم در جهت برقراری نظم و امنیت.</p> <p>مامورین وزارت اطلاعات یا پرسنل اطلاعات سپاه: ضابط دادگستری نیستند با این همه در قانون برنامه چهارم توسط اقتصادی در انجام اقدامات لازم در کشف «مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی» ضابط تلقی شده اند.</p>
<b>ریاست و نظارت بر ضابطین</b>	<p>ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند یا <u>دادستان</u> است.</p> <p>نظارت دادستان: نظارت عام و کلی بر انجام وظایف آنها در پیشگیری از وقوع جرم از طریق گشت زنی و اعلام به موقع جرم به دادستان و نحوه اقدام آنها در برخورد با جرایم مشهود</p> <p>نظارت مقام قضائی: نظارت بر اجرای دستورات مقام قضائی در تحقیق و بازجوئی در پرونده ای خاص است که توسط مسئول همان پرونده به ضابطین ارجاع و نظارت لازم اعمال</p>
<b>تکالیف ضابطین</b>	<p>ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند در صورت تخلف به سه ماه تا یکسال انفسال از خدمت دولت یا از یک تا شش ماه حبس محکوم</p> <p>ضابطین دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضائی تعیین می نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند چنانچه به هر علت اجرای دستور و یا تکمیل پرونده مسیر نگردد موظفند در <u>پایان هر ماه</u> گزارش آن را با ذکر علل به مقام قضایی ذیربط ارسال نمایند متخلف از این امر به مجازات ذکر شده در بالا محکوم خواهد شد.</p>

وظایف	وظیفه عام: تبعیت از دستورات مقام قضائی وظیفه خاص: به تفکیک در جرائم مشهود - غیر مشهود ذیلا مورد بررسی قرار می گیرد:
جرم مشهود	<p>۱- جرائم مشهود: جرم در این موارد مشهود است: ۱- جرم در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده یا بلافاصله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع جرم مشاهده کنند. ۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نمایند. ۳- بلافاصله بعد از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب دلایل یاد شده به متهم محرز گردد. ۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. ۵- در مواردی که صاحبخانه پس از وقوع جرم ورود مامورین را به خانه خود تقاضا نماید ۶- وقتی که متهم ولگرد باشد.</p>
وظایف و اختیارات تحقیقات مقدماتی جلب اصل ضرورت تکالیف ضابط در رابطه با جلب اخذ تامین	<p>۱- انجام تمامی اقدامات لازم به منظور حفظ آلات و ادوات جرم و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی و تحقیقات مقدماتی ۲- گزارش جرم و تحقیقات و اعمال انجام شده به مقام قضائی</p> <p><b>تحقیقات مقدماتی:</b> مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضائی صورت میگیرد در جرائم مشهود حتی اگر برای حفظ دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی او با دیگران لازم تشخیص داده شود ضابطین می توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و یا حتی اگر <u>جلب لازم</u> باشد متهم را جلب نمایند. (به وسیله ورود به منزل)</p> <p><b>جلب:</b> دستگیری و محدود ساختن موقت آزادی رفت و آمد شخص در جریان دستگیری از ایدای افراد باید اجتناب شود.</p> <p><b>اصل ضرورت:</b> ماموری که در صحنه وقوع جرم حاضر گردید. عهده دار اقدامات مقدماتی است ولی در تشخیص خود برای جلب و ورود به منزل و ... آزاد نیست و اقدامات او تابع اصل ضرورت است.</p> <p>۱- تکالیف سلبی و ایجابی ضابط در رابطه با جلب: ۱- موضوع اتهام را کتبا به متهم تفهیم کند. ۲- دستگیری متهم به خانواده او اطلاع داده شود ۳- مدت جلب و نگهداری متهم از ۲۴ ساعت بیشتر نگردد ( حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضائی صالح در سال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات خواهد شد. (اصل ۳۲ ق.ا)</p> <p>ضابطین حق اخذ تامین از متهم را نداند و چنانچه دادستان، باز پرس، دادیار نیز دستور اخذ را به ضابطین دهند دستور در زمره اوامر غیر قانونی و غیر قابل اجرا است.</p>
جرائم غیر مشهود وظایف و اختیارات	<p>در غیر از موارد مذکور در جرائم مشهود بقیه جرائم غیر مشهود هستند.</p> <p>وظایف: به محض اطلاع از وقوع جرم در جرایم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضائی اعلام می کنند.</p> <p>اگر وقوع آن جرم از نظر ضابطین محل تردید باشد باید قبل از اعلام آن به دادسرا اقدام به تحقیقات لازم کرده و صحت و سقم آن را بررسی کرده و پس از اطمینان از وقوع جرم به دادستان اطلاع دهند فاقد اختیاراتی هستند در مورد جرائم مشهود دارند: از قبیل: ۱- ممنوعیت از تفتیش منازل - اماکن و اشیاء- جلب متهم، بدون اجازه مخصوص ( دستور مقام قضایی با ذکر نام متهمی که باید جلب شود یا اعلام نشانی منزل یا مشخصات اشیاء مورد تفتیش . ۲- ایجاد پست های ایست و بازرسی در خیابانها و مبادی ورودی شهر ها و اقدام به بازرسی خودروهای عبوری که ممنوع است مگر اینکه تشخیص داده شود و از نظام قضائی صالح اجازه مخصوص به نام شخص - شیء - منزل ( با تمام جزئیات) گرفته شود.</p>

<p>شروط خاص تعقیب</p>	<p>۱- <u>لزوم شکایت شاکی خصوصی</u>: جرم عملی است که به دلیل لطمه به نظم عمومی ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین شده است لذا هر جرمی دارای جنبه عمومی است و اگر چنین نبود عمل مجاز جرم دانسته نمی شد. پس اصل بر <u>لزوم تعقیب متهم به ارتکاب جرم</u> است و دادستان نباید در انتظار تسلیم شکایت شاکی بماند با این حال دسته ای از جرایم چون جنبه خصوصی شان در مقایسه با جنبه عمومی شدت و اهمیت بیشتری دارد قانونگذار دخالت دادستان را منوط به درخواست بزه دیده نموده است</p>
<p>تفکیک جرایم</p>	<p>جرایم از لحاظ اقامه و تعقیب به سه دسته تقسیم شده اند: ۱- جرایمی که تعقیب آنها بر عهده دادستان است چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد ۲- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب شده و با گذشت شاکی موقوف نخواهد شد. ۳- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.</p>
<p>شرایط شاکی خصوصی</p>	<p>تفکیک امر جزائی که تابع کدام نوع یاد شده است به موجب <u>قانون</u> می باشد. مثلاً ماده ۷۲۷ ق.م.ا جرائمی را که جز با شکایت شاکی تعقیب نمی شوند را نام برده است یا ماده ۵۱۶ ق.م.ا در مورد سوء قصد به جان رئیس یک کشور خارجی و یا ماده ۱۱ ق صدور چک از مصادیق این جرائمند. اقدام به شکایت نوعی استیفاء حق است و اعمال آن مسلزم داشتن <u>اهلیت</u> است. اگر بزه دیده فاقد اهلیت باشد (مجبور بودن) قائم مقام وی ( ولی - وصی - قیم) به نمایندگی از طرف او اقدام به شکایت می کند و اگر فرد فاقد این نمایندگان باشد دادستان موظف است که شخص را به عنوان قیم موقت برای طرح شکایت و تعقیب شکایت تعیین یا خود راساً تعقیب کیفری را دنبال نموده و اقدامات لازم را جهت حفظ و جمع آوری دلایل و ... به عمل آورد. در خصوص غیر رشید فقط در دعاوی غیر مالی ترتیب مذکور لازم الرعایه نیست.</p>
	<p>۲- <u>لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات</u>: در حال حاضر تنها موردی که تعقیب متهم توسط دادستان موقوف به اجازه مقامی دیگر شده تعقیب کیفری دارندگان پایه قضائی است دادستان ابتدا با ارسال شکایت به همراه گزارش دلایل آن به دادسرای انتظامی قضات تقاضای تعلیق متهم از شغل خود را می نماید و اگر دادسرا دلایل را موجه تشخیص دهد به در خواست این دادسرا دادگاه انتظامی قضات رای به تعلیق متهم از شغل خود داده و پرونده را جهت تعقیب کیفری به دادسرای عمومی و انقلاب اعاده می دهد. در مورد و کلاء دادگستری: در قوانین فعلی هیچ تربیت و تشریفات خاصی برای تحصیل اجازه از مقامات دیگر پیش بینی نشده است و همچون سایر شهروندان تحت تعقیب قرار می گیرند</p>

دیپارتمان حقوق انجمن علمی پویش

دیپارتمان حقوق انجمن علمی پویش

www.hoogog.blogfa.com

۱- **مصونیت سیاسی:** عبارت است از مصونیت نمایندگان دیپلماتیک یک دولت در قلمرو دولت دیگر و مصونیت مامورین کنسولی در محل ماموریت خود. مامورات دیپلماتیک: در سفارتخانه ها با وظیفه توسعه و تعمیق روابط سیاسی دولت متبوع با دولت پذیرنده مستقرند و در کلیه جرایم اعم از مهم یا غیر مهم مرتبط با وظایف - غیر مرتبط با وظایف از مصونیت برخوردارند و نمی توان آنها را تحت تعقیب جزائی قرار داد و یا توقیف و باز داشت نمود این مامورین در هنگام عزیمت به محل ماموریت یا کشور متبوع چنانچه از کشور ثالثی عبور کنند در محل اخیر نیز از مصونیت برخوردارند حتی در صورت وجود منازعه مسلحانه میان دولت فرستنده و پذیرنده باز مصونیت برقرار است و تا زمانی که مامور در ماموریت به سر می برد ادامه دارد.

تعقیب مامورین دیپلماتیک نسبت به اعمالی که در طول ماموریت انجام دارد بعد از انقضای مدت ماموریت: الف) نسبت به آن اعمالی که وی در اجرای وظایف خود به عنوان مامور انجام داده مصونیت باقی است. ب) نسبت به سایر اعمال: امکان تعقیب کیفی او وجود دارد.

خدمه مامورین: نیز از مصونیت برخوردارند: ۱- نسبت به اعمالی که ناشی از اجرای وظایف آنها شناخته شده است. ۲- تبعه کشور پذیرفته یا مقیم دائم آن نباشند علاوه بر رئیس و کارکنان سیاسی بستگان مامور سیاسی کا اهل خانه او هستند: به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشد از مصونیت برخوردارند.

**مامورین کنسولی:** در کنسولگریها مستقرند با وظیفه توسعه روابط فرهنگی بازرگانی اقتصادی یک دولت با دولت دیگر حمایت از منافع اتباع در خارج از کشور و انجام اموری مثل صدور شناسنامه یا ثبت سایر اسناد فعالیت می کنند و علاوه بر پایتخت در نقاطی از کشور خارجی که معمولا تعداد بیشتر از اتباع دولت فروشنده در آنجا اقامت دارند محل استقرار در آنها ست.

۱- مصونیت آنها فقط در مورد اعمالی است که در مقام انجام وظایف کنسولی انجام دهند.

۲- در جرایم مهم ( جنایات بزرگ) می توان آنها را توقیف یا در انتظار محاکمه باز داشت کرد.

افرادی غیر از دیپلمت و کنسولی ها که برای یک ماموریت خاص و حل و فصل مسایل معین از طرف دولت خود به کشور دیگر اعزام شده و پس از انجام ماموریت بر می گردند ماموریت نمایندگان دولت فروشنده در ماموریت خاص و نیز کارمندان اداری و فنی ماموریت از مصونیت تعقیب جزائی برخوردارند ( ماده ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون) اعضای خانواده های این افراد نیز که همراه او هستند در صورتی که از اتباع دولت پذیرنده نبوده یا مقیم قلمرو آن نباشد و خدمه آن ماموران تنها نسبت به اعمال ارتكابی ناشی از وظایف خود از مصونیت قضائی برخوردارند.

هر جرمی که ماموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت استفاده می کنند مرتکب گردند طبق قوانین جزائی ایران مجازات می شوند م ۶ ق. م. ا

**مصونیت پارلمانی ( نماینده مجلس):** مصونیت نماینده مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود در مجلس یا خارج از مجلس اصل ۸۶ ق. ۱ نظریه شورای نگهبان: اصل ۸۶ ق. ۱ در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رای دادن و اظهار نظر در جهت ایفا وظایف نمایندگی در مجلس است و ارتكاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج است و منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی باشد. به نظر دکتر خالقی اصل ۸۶ در مقام اعلام مطلبی بیش از آزادی بیان نماینده است و تفسیر شورای نگهبان با منطوق اصل ۸۶ و فلسفه وضع آن مغایرت دارد.

**۲- اناطه:** هرگاه ضمن رسیدگی مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است و یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم رعایت تشریفات دیگر آیین دادرسی می باشد قرار اناطه صادر و به طرفین ابلاغ می شود. قرار اناطه توسط باز پرس نیز می تواند صادر شود و این قرار باید با تایید دادستان برسد و در صورت بروز اختلاف مرجع حل آن دادگاه عمومی یا انقلاب بر حسب مورد است. این قرار اگر از طرف باز پرس صادر شود ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض از طرف شاکی خصوصی و دادستان می باشد.

موارد صدور قرا اناطه: ۱- دعاوی مربوط به حق مالکیت ( در اموال غیر منقول) ۲- دعاوی راجع با اصل نکاح و طلاق (زنا- نفقه)

پس از صدور قرار اناطه ذینفع مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار دادخواستی به دادگاه صالح تقدیم کند و گواهی آنرا به مرجع تحقیق ارایه دهد که در این صورت تحقیقات مرجع مذکور تا صدور حکم از دادگاه و قطعیت آن متوقف می ماند و در صورت عدم اقدام ذینفع مرجع رسیدگی به رسیدگی ادامه داده و خود تصمیم متقاضی خواهد گرفت.

**۳- جنون متهم قبل از صدور حکم قطعی:** جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه ای که باشد رافع مسئولیت کیفری است.

**الف)** جنون در هنگام ارتکاب جرم: هرگاه مقام تحقیق متوجه این مورد شود تحقیقات لازم را از بستگان و مطلعین و پزشک به عمل آورده و اگر تحقیقات را کافی دید و از صحت آن اطمینان حاصل کرد اگر جرم متضمن دیه یا خسارت مالی نباشد قرار موقوفی تعصیب صادر می کند و گرنه برای صدور کیفر خواست و انتقال پرونده از دادسرا به دادگاه قرار مجرمیت صادر می کند.

اگر باز پرس اطمینان به صحت تحقیقات نکرد به تحقیقات ادامه می دهد و شخص مجنون با اذن ولی و یا در صورت ضرورت به مراکز مخصوص نگهداری و درمان منتقل خواهد شد

**ب)** جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی: تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد و داستان می تواند دستور نگهداری متهم در محلی مناسب را صادر کند تا زمان بهبودی

**ج)** جنون پس از صدور حکم قطعی: در قوانین ما جنون محکوم علیه موجب سقوط مجازات نیست. در مورد دیه هم چون مرتکب در زمان ارتکاب عاقل بوده از اموال خود او وصول می شود.

دیپارتمان حقوق انجمن علمی پویش  
دیپارتمان حقوق انجمن علمی پویش  
www.hoogog.blogfa.com  
www.hoogog.blogfa.com

## موارد سقوط دعوای عمومی

**الف) فوت متهم یا محکوم علیه:** با توجه با اصل مشخص بودن مجازات ها مجازات به بستگان مجرم تسری پیدا نمی کند و فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات های شخصی از موارد موقوفی تعقیب است.

مجازاتهای شخصی: مجازاتهایی است که نسبت به تن و آزادی رفت و آمد مرتکب اعمال می شود و در مقابل مجازاتهای مالی قرار دارد و دیه را از مجازاتهای شخصی خارج میکند پس مجازاتهای اعدام، زندان، شلاق مجازاتهای شخصی اند و دیه از مجازاتهای مالی است. جزای نقدی نیز مجازات شخصی است و با فوت ساقط می شود در مورد دیه اجرای حکم محکومیت به دیه با مشکل مواجه نیست ولی ادامه تعقیب کیفری در دادسرا و دادگاه پس از فوت با مشکل مواجه است.

**ب) گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت:** اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است چون همه جرایم جنبه عمومی دارند و قابل گذشت بودن نیازمند تصریح است. برای تشخیص جرایم قابل گذشت از غیر گذشت دو شیوه وجود دارد:

الف) روش احصای قانونی: قانون گذاری در مواد قانون یا ماده ای جرایم قابل گذشت را که با گذشت شاکی خصوصی، تعقیب موقوف می گردد را احصاء می کند که از صراحت کافی برخوردار بوده و مانع تشّت آرا است. ب) روش تعیین ضابطه: قانونگذار بدون ذکر جرایم قابل گذشت به بیان ملاک تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت اکتفا می کند و تشخیص مصادیق آنرا بر عهده دادگاه می گذارد.

روش قانون گذار ما: با تصویب ق.م.ا (بخش تعزیرات ۱۳۷۵) قانون گذاری روش احصاء قانونی را بر گزیده، بدین ترتیب که « جرایم مندرج در موارد ... جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورت که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر کند اشکال روش ذکر شده در بالا با توجه به ماده ۷۳۷ ق.م.ا: نتیجه گذشت شاکی خصوصی معلوم نیست که موقونی تعقیب باشد یا تخفیف مجازات و نتیجه آن است که دادسرا باید در صورت گذشت شاکی نیز قرار مجرمیت صادر و کیفر خواست صادر نماید تا دادگاه درباره آن حکم دهد (تخفیف یا موقوفی؟) ولی در عمل دادسرا ها مثل گذشته گذشت شاکی خصوصی را در جرایم قابل گذشت قرار موقوفی تعقیب صادر می کنند و عملاً پرونده به دادگاه ارسال نمی شود.

گذشت از نظر شکلی: ۱- گذشت می تواند کتبی یا شفاهی باشد و در صورت شفاهی بودن در حضور مرجع رسیدگی به پرونده بیان شده و در صورت جلسه قید و یه امضاء شاکی می رسد. ۲- گذشت باید بعد از وقوع جرم باشد و پیش از ارتکاب جرم رضایت نامیده می شود ۳- گذشت نوعی استیفاء حق است لذا گذشت کننده باید عاقل و بالغ و رشید (در جنبه مالی) و مختار باشد ۴- گذشت باید قطعی باید منجر باشد نه مشروط و معلق. گذشت مشروط: گذشت همراه با وضع شرط فعل یا ترک فعل. گذشت معلق: اثر گذشت از ابتدای از سوی شاکی موکول به تحقیق نتیجه ای معین باشد.

فرض تعدد شاکی: گذشت هر شاکی نسبت به خودش موثر است و تعقیب کیفری نسبت به دیگر شکات ادامه خواهد یافت و اگر همه آنها گذشت کنند تعقیب موقوف می گردد. فرض تعدد متهم ها: گذشت هر یک از متهم ها توسط شاکی فقط نسبت به او موثر است و دیگر متهمان مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

فرض تعدد جرم و بزه دیده: در صورت گذشت تعدادی از بزه دید ها متهم نسبت به سایر شکات مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

۵- گذشت حق بزه دیده است و با فوت به ورثه اش منتقل می شود و اگر مجنی علیه شکایت کرده باشد باز هم ورثه می توانند گذشت کرده و مانع تعقیب کیفری شوند

۶- اگر تحقیقات مقدماتی کامل شده و نشان دهد که جرم واقع نشده و یا منتسب به متهم نیست و در این زمان گذشت شاکی خصوص هر چند با پرداخت وجوهی حاصل شده باشد ابزار گردد صرفنظر از گذشت شاکی خصوصی باید اقدام به صدور قرار منع تعقیب شود.

<b>جهات شخصی</b>	<p style="text-align: center;"><b>(ج) شمول عفو:</b> ب خشیدن متهم و مجرم از جانب جامعه</p> <p>۱. عفو عمومی: توسط قوه <u>مفنه</u> اعلام و شامل حال متهمان می شود موجب سقوط تعقیب کیفری افرادی می شود و چون از جانب مرجع وضع قوانین صورت می گیرد (موجب سلب عنوان مجرمانه از عمل افراد مشمول عفو شده) و (در نتیجه به شرکا و معاونین جرائم نیز موثر واقع می شود) و (در هر مقطعی از رسیدگی مثل تحقیق و تعقیب و اجرای حکم و حتی بعد از اجرای حکم، ممکن است صورت پذیرد و موثر واقع شود) و ( مجازاتهای تبعی جرم را نیز زایل می کند) و (معمولا بعد از وقوع انقلاب و کودتا... تصویب می شود)</p> <p>۲. عفو خصوصی: (از جانب عالیترین مقام یک کشور به عمل می آید) و (فقط شامل محکومان می شود نه متهمان) و (بعد از صدور حکم قطعی صادر می شود) که پیش از پایان دوران محکومیت برای انصراف از مجازات محکومینی که نشانه های اصلاح و ندامت در آنها دیده می شود و یا اشتباه قضائی که از لحاظ شکلی قابل رفع نیست. عفو خصوصی از جانب رهبر موجب <u>موقوف شدن</u> اجرای حکم که گاه مستلزم تعقیب و دستگیری است می شود که در این حال <u>قرار موقوفی تعقیب</u> صادر</p>
<b>جهات عینی سقوط دعوای عمومی</b>	<p><b>الف) حذف مجازات عمل:</b> (مباح تلقی کردن عمل و حذف مجازات آن و چون این قانون مساعد تر به حال متهم است در گذشته اثر دارد و سبب موقوف گردیدن دعوای عمومی می گردد ولی در اینجا فقط بحث از برداشتن مجازات عمل مجرمانه است نه تخفیف و مساعد تر کردن آن به نفع متهم)</p> <p>به عمل حذف مجازات عمل مجرمانه نیز نسخ می گویند که به موجب قانون به عمل می آید و بر دو نوع است:</p> <p>الف) نسخ صریح: قانون جدید اراده قانونگذار مبنی بر سلب اعتبار از قانون سابق را به روشنی بیان می کند .</p> <p>ب) نسخ ضمنی: تعارض دو قانون سابق و لاحق به نحوی باشد که مانع اجرای همزمان آنها گردد و به طور ضمنی حکایت از قصد قانونگذار مبنی بر حذف قانون قدیم * اگر قانونگذار با وضع مجموعه قانون جزائی جدید و نسخ قانون سابق جرمی را که در مجموعه سابق وجود داشت در قانون جدید نیافرود آن جرم و مجازات را باید حذف شده دانست</p> <p>* اگر قانون از ابتدا برای مدت معینی به اجرا در آمده باشد پس از انقضای این مدت دیگر عمل مزبور جرم تلقی نمی گردد مگر اینکه قانون تمدید گردد.</p> <p><b>ب) اعتبار امر مختوم:</b> از لحاظ فردی، لزوم تامین امنیت قضائی شهروندان (دوباره محاکمه نشدن مجرم و تبرئه شده) و از لحاظ قضائی، صحت انگاری احکام صادره و از لحاظ اجتماعی لزوم پایان بخشیدن به دعوی و اختلاف، ایجاب می کند که رسیدگی های قضائی سرانجام در یک نقطه خاتمه یابد و رای صادره محترم و مجری تلقی شود که قانون اعتبار امر مختوم را به وجود آورده است لذا ماده ۱۸ ق.ت.د.ع.ا بیان می دارد که « آراء قطعی دادگاه های عمومی و انقلاب و نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قانون مربوطه مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست. . . . »</p> <p><b>قرارها:</b> قرارهای <u>موقوفی تعقیب</u> اصولاً اعتبار امر مختوم دارند و. با قطعیت یافتن آنها امکان رسیدگی مجدد به اتهام وجود ندارد. و در مورد قرارهای <u>منع تعقیب</u> فقط اگر قرار به علت عدم کفایت دلایل ارتكابی عمل توسط متهم صادر شده باشد این قرار از اعتبار امر مختوم برخوردار نبوده و فقط برای یکبار به در خواست دادستان و تجویز دادگاه تعقیب مجدد ممکن است. امر مختوم نیازی به ایراد از سوی متهم ندارد و محدود به زمان معینی هم نیست. در اعتبار امر مختوم شرط اولیه موقوفی تعقیب <u>قطعیت تصمیم قضائی سابق</u> است و اگر قطعیت نیافته و دوباره موجبات تعقیب فراهم شود قرار موقوفی صادر نمی شود ولی دادگاه ( دادسرا ) با صدور قرار امتناع از رسیدگی پرونده را به مرجعی که در رسیدگی است ارسال می کند.</p> <p>شرایط سه گانه اعتبار امر مختوم: الف) وحدت اصحاب ب) وحدت سبب دعوی (مبنا یا هدف رسیدگی) ج) وحدت موضوع: یکی بودن مادیت عمل رسیدگی شده</p>

	قلمرو مرور زمان مواعد مرور زمان انواع مرور زمان	جهات عینی سقوط دعوی عمومی	<p><b>ج) مرور زمان در مجازات های باز دارنده :</b> یعنی مضمی مدت زمانیکه پس از آن اعلام شکایت یا اقدام تعقیبی یا اجرای مجازات امکان پذیر نیست. مرور زمان بر دو نوع است: الف) مرور زمان تعقیب (ب) مرور زمان مجازات که در مرور زمان تعقیب پس از گذشت مدتی از وقوع جرم امکان تعقیب و محاکمه متهم وجود ندارد و مرور زمان مجازات پس از گذشت مدتی از قطعی شدن حکم محکومیت دیگر امکان اجرای آن وجود ندارد.</p> <p>دلایل موافقان مرور زمان : الیف) به فراموشی سپرده شدن لطمه ناشی از جرم و از دست دادن هیجان و التهاب ناشی از وقوع جرم در جامعه. ب) دشواری یا امکان یا امکان نداشتن تحصیل دلیل به خاطر فراموشی و فوت شهود و از بین رفتن ادله با گذشت زمان ج) از دست رفتن اثر باز دارندگی مجازات به علت فاصله گرفتن مجازات از جرم نسبت به جامعه و مجرم</p> <p>دلیل مخالفات مرور زمان: عدم تعقیب و مجازات مجرم پس از گذشت زمانی معین سبب تشویق مجرم به فرار از پنجه عدالت و جری شدن جرم می شود و کوتاهی در محاکمه دلیل بر انصراف همیشگی جامعه از حق خود نیست. در کل دلیل موافقان قابل دفاع به نظر رسیده و قانون گذار آن را قبول کرده است</p> <p>مرور زمان اختصاص به جرائمی دارد که برای آنها مجازات بازدارنده یا اقدامات تامینی و تربیتی پیش بینی شده دارد و شامل جرائمی که مسلزم مجازات حد، قصاص، دیه، <u>تعزیر</u> باشد نمی گردد.</p> <p>مجازاتهای تعزیری: برای آن دسته از جرائمی پیش بینی شده اند که علاوه بر پیش بینی در قانون از لحاظ شرعی نیز حرام هستند.</p> <p>مجازاتهای باز دارنده: مجازات اعمالی هستند که فاقد حرمت شرعی بوده ولی از آنجایی که بر خلاف نظم عمومی جامعه است برای باز داشتن افراد از ارتکاب جرم مواعد <b>مواعد مرور زمان :</b></p> <p>الف) ۱۰ ساله : در مجازاتهای بیش از ۳ سال حبس - در مجازات های بیش از ۱ میلیون ریال جرای نقدی          ب) ۵ ساله : در مجازات هایی ۳ سال حبس و کمتر از آن - در مجازات های ۱ میلیون ریال جزای نقدی و کمتر از آن          ج) ۳ ساله : در مجازات های غیر از حبس و جزای نقدی مثل شلاق، منع اقامت، اقامت اجباری</p> <p>در صورتی که دو یا سه مجازات حبس، شلاق و جزای نقدی به صورت انتخابی یا تجمیعی پیش بینی شده باشد مدت <u>حبس</u> ملاک خواهد بود جرم ممکن است بدون اطلاع کسی که حق شکایت کیفری دارد واقع شده و مشمول مرور زمان گردد.</p> <p><u>انواع مرور زمان:</u> <b>الف) شکایت :</b> از تاریخ وقوع جرم (ب) <u>تعقیب :</u> اگر اقدامات قضایی در جریان باشد مدت مرور زمان سپری نمی شود ولی اگر اقدامات قضایی به هر علت متوقف شود و اقداماتی صورت نگیرد از تاریخ آخرین اقدام قضائی مرجع صلاحیت دار مرور زمان به جریان می افتد.</p> <p><b>ج) مجازات :</b> اگر کلاً اجرا نشده باشد مرور زمان از تاریخ قطعیت حکم به جریان می افتد ولی اگر اجرای مجازات شروع و بعد از مدتی در اثر اقدام محکوم علیه اجرای مجازات قطع شود (مثل فرار از زندان) مرور زمان از تاریخ قطع اجرای مجازات سپری می شود.</p> <p>احکام دادگاه های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقنامه های قانونی مشمول مقررات این ماده می باشد.</p> <p><u>مرور زمان دادرسی:</u> قانون گذار از مرجع رسیدگی می خواهد که لزوماً ظرف مهلت معینی رسیدگی را خاتمه دهد و حکم را صادر کند و گرنه تعقیب به علت مرور زمان موقوف می شود.</p>

## آیین دادرسی کیفری ( دکتر خالقی ) تحقیقات مقدماتی

<b>هدف اصل سرعت</b>	<p>کلیه اقدامات به منظور کشف جرم، تعقیب، دستگیری، جلوگیری از فرار، حفظ آثار و ادله جرم و اظهار نظر در مورد دلایل توجه اتهام به او توسط مرجع قضائی است اظهار نظر درباره دلایل اتهام و آماده کردن پرونده برای مرحله دادرسی.</p> <p>سرعت در انجام تحقیقات یک اصل بر تحقیقات شناخته می شود بدون اینکه دقت مقام تحقیق و رعایت حقوق متهم در برابر آن فدا گردد.</p> <p>اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق: مبنای این اصل لزوم بی طرفی قاضی تحقیق است و بیان می دارد که تعقیب متهم بر عهده مقامی به نام دادستان و تحقیق و اظهار نظر درباره دلایل اتهام متهم بر عهده مقامی به نام باز پرسى قرار دارد.</p>
<b>ویژگی های تحقیقات مقدماتی</b>	<p>آیین دادرسی کیفری ایران از نظام دادرسی <u>مختلط</u> الهام گرفته که مرحله تحقیقات مقدماتی تابع نظام تفتیشی و مرحله دادرسی تابع نظام اتهام است.</p> <p>پس ویژگی های مرحله تحقیقاتی بدین قرار است:</p> <p><b>الف) کتبی بودن:</b> تقاضای تعقیب کیفری و هر گونه اقدامی که پس از آن صورت می گیرد به صورت مکتوب بوده و در پرونده ای مشخص تمام این اقدامات و اظهارات شاکی و متهم مضبوط می گردد مثلاً تمامی اظهارات متهم بدون تحریف نوشته شده و به امضای او میرسد و حتی متهم می تواند پاسخ ها را خود شخصاً بنویسد.</p> <p><b>ب) غیر علنی بودن:</b> یعنی غیر از افرادی مانند متهم، شاکی و وکلای آنها یا کارشناس و شاهد و مطلع که حضورشان لازم است دیگران حق حضور در جلسات تحقیقات مقدماتی را ندارند.</p> <p>علت غیر علنی بودن: رهنمایدن مرجع تحقیق از فشار افکار عمومی و هیجان ناشی از ارتکاب جرم در جامعه، حفظ استقلال مرجع تحقیق، مصون نگه داشتن متهم از انگ شهرت به اتهامی که هنوز دلایل آن مورد بررسی است.</p> <p><b>ج) محرمانه بودن:</b> ( سری بودن ) در حال حاضر منظور از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، ممنوع بودن انتشار اطلاعات آن است و در این معنا محرمانه بودن توسط مرجع تحقیق نیز باید رعایت شود. تحقیقات مقدماتی همیشه محرمانه است ولی گاهی اوقات <u>شاکی</u> می تواند از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی در صورتی که منافعی با محرمانه بودن تحقیقات نداشته باشد با پرداخت هزینه رو نوشت بگیرد. متأسفانه وجود ابهام در قانون سبب شده که دادسراها برداشت نادرستی از محرمانه بودن کرده و متهم و وکیل او را از برخی حقوق دفاعی خود یا لوازم آن محروم سازند.</p> <p><b>د) غیر ترافیعی بودن:</b> عدم تساوی جایگاه متهم و شاکی - آگاه نبودن متهم از دلایل اتهام و عدم امکان مورد مناقشه قرار دادن آنها توسط متهم</p> <p>امروزه این ویژگی تا حد زیادی تعدیل شده است و سخن از برابری سلاح ها به میان می آید که به موجب آن در فرایند کیفری طرفین باید از امکانات و شرایط مساوی برای اثبات ادعای خود برخوردار باشند.</p>
<b>وکیل در تحقیقات مقدماتی</b>	<p>متهم می تواند <u>یک</u> نفر وکیل (رسمی دادگستری) همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات (همان جلسه حضور) مطالبی را که برای کشف حقیقت لازم بداند یا برای دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات او در صورت جلسه منعکس می شود.</p> <p>مواردی که حضور وکیل نیازمند اجازه مرجع رسیدگی است: <b>الف)</b> موضوع جنبه محرمانه داشته باشد. <b>ب)</b> حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد <b>ج)</b> موضوع اتهام یکی از جرایم علیه امنیت کشور باشد. ( محرمانه - فساد - امنیت)</p>

## مرجع تحقیق و شروع به رسیدگی

<b>مرجع تحقیق</b>	از دیر باز در قوانین ایران با الهام از قوانین فرانسه مرجعی که تحقیق در مورد جرم را در دادسرا برعهده داشته و قاضی تحقیق محسوب می شود <u>باز پرس</u> بوده است. باز پرس صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی در « <u>کلیه جرایم</u> » را دارد ولی دادستان و دادیار صلاحیت تحقیق در برخی جرایم را دارند. اگر جرم از جرائمی باشد که در صورت کفایت دلایل توجه اتهام به متهم رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه <u>کیفری استان</u> قرار داشته باشد تحقیقات مقدماتی آن در دادسرا <u>منحصراً بر عهده باز پرس</u> است و در غیر این موارد تحقیق توسط دادستان و دادیار هم می تواند صورت گیرد.
<b>موقعیت باز پرس</b>	کلیه قرار های دادیار بدون استثناء باید به تایید دادستان برسد و دادیار حتی در اظهار نظر قضایی خود مستقل نبوده و تابع نظر دادستان است. مواردی که باز پرس باید از دادستان تبعیت کند : الف) اگر دادستان تحقیقات باز پرس را ناقص ببیند می تواند تکمیل آنرا بخواهد ولو باز پرس تحقیقات خود را کامل ببیند ب) در موارد جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیست دادستان می تواند بعضی از تحقیقات و اقدامات را از باز پرس درخواست کند بدون اینکه رسیدگی آن را به طور کلی به باز پرس ارجاع دهد. ج) اگر باز پرس راساً قرار باز داشت صادر نماید باید دادستان آنرا تایید کند و گرنه نظر دادستان متبع است باز پرس ضابط دادگستری محسوب نمی شود بلکه یک قاضی تحقیقی است و از استقلال نسبی برخوردار است.
<b>موقعیت دادیار</b>	مواردی که بین باز پرس و دادستان بروز اختلاف متصور است : ۱. اگر باز پرس قرار نهایی صادر کند و دادستان با آن مخالفت باشد
<b>تبعیت باز پرس از دادستان</b>	۲. اگر دادستان تقاضای صدور قرار باز داشت را از باز پرس و باز پرس با آن مخالف باشد ۳. صدور برخی قرار های که باید به تایید دادستان برسی و او مخالف نماید. رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه های عمومی و انقلاب محل به عمل می آید و موافق تصمیم دادگاه عمل می شود.
<b>اختلاف</b>	پرونده هایی که مستقیماً در دادگاه تحقیق و رسیدگی می شوند و دادستان و ضابطین حق تحقیق ندارند:
<b>رفع اختلاف</b>	الف) جرایمی که مشمول حد زنا و لواط است. ب) جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد. ج) جرایم اطفال. در هر حال هم چون سایر جرائم هر شکایتی یا هر گزارش ضابطین دادگستری باید به <u>دادسرا</u> تقدیم شود و دادسرا بدون تحقیق و صدور کیفرخواست به دادگاه صالح ارسال می نماید. ولی اگر در پرونده اتهام دیگری غیر از موارد مذکور نیز مطرح باشد باید نسبت به آنها تحقیقات مقدماتی صورت پذیرد.
<b>شروع به تحقیق</b>	منظور از جهات قانونی شروع به تحقیقات مواردی است که در آن مرجع تحقیق مجاز به دخالت و انجام اقدامات تحقیقی و اظهار نظر قضائی است. جهات قانون شروع به تحقیقات باز پرس: الف) ارجاع دادستان ب) شکایت یا اعلام جرم به باز پرس در مواقع که به دادستان دسترسی نیست و رسیدگی به آن فوریت دارد. ج) در جرایم مشهود در صورتی که باز پرس شخصا ناظر وقوع آن باشد ( باز پرس باید حین انجام وظیفه ناظر وقوع باشد نه در تعطیلی و مرخصی)
<b>جهات قانونی شروع به تحقیقات</b>	۱- شروع به تحقیقات دادیار نیز در جرایمی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد همین موارد است. ۲- در صورت حضور معاون دادستان یا قائم مقام او ماموریت ارجاع پرونده ها را نیز دارند ۳- عدم دسترسی به دادستان و فوریت رسیدگی مجوزی برای شروع به تحقیقات توسط باز پرس محسوب نمی شود.

آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) صلاحیت محلی برای تحقیقات - اقدامات تحقیقی

<p>صلاحیت محلی</p> <p>تحقیقات در حوزه قضائی بخش</p>	<p>دادگاه صالح برای رسیدگی و محاکمه : دادگاه محل وقوع جرم.</p> <p>دادسرای صالح برای انجام تحقیقات مقدماتی: الف) دادسرای محل وقوع جرم. ب) محل کشف جرم ج) محل دستگیری متهم د) محل اقامت متهم.</p> <p>دادسرای محلی که جرم در آنجا واقع نشده است فقط « تحقیقات مقتضی » یعنی تحقیقات ضروری اولیه برای حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از افراد متهم را انجام می دهد و کلیه تحقیقات مقدماتی را و سپس پرونده را برای تکمیل تحقیقات و صدور قرار نهایی به <u>دادسرای محل وقوع جرم</u> ارسال می دارد. دادسرا پس از به عمل آوردن تحقیقات مقتضی پرونده را همراه با متهم ( در صورت دستگیری) نزد دادگاه صالح ارسال می دارد.</p> <p>درمورد <b>دادگاه بخش</b> در موارد جرایم دو حالت فرض شده است:</p> <p>الف: جرم و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه <u>عمومی</u> است: رئیس آن دادگاه خود وظایف دادسرا دادگاه را انجام داده و اقدام به صدور حکم نماید. در این مورد نیازی به صدور کیفرخواست نیست.</p> <p>ب) رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه کیفری استان است: رئیس دادگاه بخش <u>جانشین</u> باز پرس محسوب شده و پس از انجام تحقیقات مقدماتی و صدور قرار نهایی پرونده را جهت صدور کیفرخواست نزد <u>دادستان شهرستان حوزه قضایی</u> ارسال می دارد.</p>
<p>تحقیق از شاکی</p>	<p>۱- نخستین اقدام تحقیق از شاکی و شنیدن توضیحات و اظهارات وی برای آگاهی از عمل مجرمانه ای است که به متهم نسبت داده می شود.</p> <p>۲- چنانچه شاکی هنگام ارجاع پرونده حضور نداشته باشد احضار خواهد شد ، ولی جلب شاکی ممکن نمی باشد و اگر جرم از جرائم قابل گذشت باشد صرف عدم حضور شاکی پس از احضار دلیل بر گذشت تلقی <u>نشده</u> و شکایت او قابل رسیدگی است.</p>
<p>تحقیق از شاهد</p>	<p>شرط استماع شهادت شاهد حضور او و شرط حضور وی نیز ارسال احضاریه است. مگر اینکه شاهد بیمار بوده و نتواند حاضر شود که در این صورت قاضی تحقیق به محل اقامت وی رفته از او تحقیق می کند.</p> <p>شرط جلب شاهد: اگر با وجود ابلاغ احضاریه شاهد بدون عذر مواجه حاضر نشده مجددا احضار می گردد و در صورتی که با وجود ابلاغ احضار دوم دوباره بدون عذر موجهی حاضر نشد به خاطر بی توجهی به دستور مقام قضایی جلب خواهد شد ولی در صورت حضور و جلب باز ادای شهادت الزام نیست و می تواند از ادای شهادت خودداری</p>
<p>احضار متهم</p> <p>تحقیق از متهم</p>	<p><b>متهم</b> : یعنی فردی که در پناه اصل برائت قرار دارد و حقوق او در برابر مقام تعقیب و مقام تحقیق باید از تعرض مصون بماند.</p> <p>۱- نخستین اقدامی که نسبت به متهم صورت می پذیرد احضار نمودن وی برای تحقیق از اوست . صرف شکایت کافی برای احضار نیست بلکه عمل مجرمانه ای که به شخص نسبت داده می شود باید مستند به قرائنی باشد که دست کم احتمال ارتکاب آن از جانب وی داده شود.</p> <p>۲- در جرائمی که مصلحت اقتضاء کند علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد. منظور از علت احضار : دلیل کلی فرا خواندن شخص است نه جهات جزئی آن</p> <p>۳- متهم را نمی توان به عنوان دیگری مثلا شاهد احضار نمود. ۴- ترتیبات ابلاغ احضار نامه طبق مقررات قانون آ.د.م است.</p> <p>۵- اگر محل اقامت متهم معلوم نباشد یا به هر علتی ابلاغ میسر نشود با تعیین وقت رسیدی <u>متهم یک نوبت</u> به وسیله روزنامه کثیرالانتشار یا محلی، احضار می شود. تاریخ نشر آگهی تا روز دادرسی نباید کمتر از <u>یک ماه</u> باشد در صورت عدم حضور متهم قاضی رسیدگی و با لحاظ مواد ۲۱۷ - ۲۱۸ این قانون اظهار عقیده می نماید.</p> <p>۶- انتشار تصویر در روزنامه برای شناسایی مجاز نیست زیرا اصل بر برائت متهم بوده و حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم بر خوردار باشد.</p>

### جلب متهم - باز جویی از متهم

جلب متهم	<p>شروط جلب متهم: ۱- ابلاغ احضار نامه ۲- عدم حضور متهم ۳- عدم اعلام عذر موجه از جانب او. ( جلب یعنی دستگیری) جلب: دستگیری که مسلزم سلب آزادی رفت و آمد او و انتقال وی به محلی دیگر است.</p>
جلب بدون احضار	<p>توقیف: باز داشت - توقیف احتیاطی که مستلزم سلب آزادی رفت و آمد متهم از طریق نگهداری وی در محلی معین است. مواردی که می تواند بدون فرستادن احضاریه بدو متهم را جلب کرد: الف) جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص - اعدام - قطع عضو می باشد. ب) متهمینی که محل اقامت یا شغل او معین نبوده و اقدامات مقام قضائی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد. جهاتی که عذر موجه برای عدم حضور از جانب متهم محسوب می گردد:</p>
عذر موجه	<p>۱- نرسیدن احضار نامه یا دیر رسیدن به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر می شود. ۲- مرض مانع از حرکت ۳- فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم ۴- ابتلاء به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن ۵- عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری ۶- در توقیف بودن</p>
شرط دست بند زدن ورود به محل اقامت برگ جلب سیار	<p>برای جلب نمودن متهم لزوماً باید برگ جلب به او ابلاغ شود تا وی از صحت صدور آن مطمئن شده و در برابر مامور جلب از خود مقاومت نشان ندهد. مامور جلب پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت می نماید که با او نزد قاضی حاضر شود ، چنانچه متهم امتناع نماید او را جلب و تحت الحفظ ( با دست بند) به مرجع قضائی تسلیم جلب مجوز ورود به محل اقامت متهم نیست و ورود به محل مزبور در صورت امتناع متهم از همراهی با مامور مستلزم صدور مجوز لازم برای این امر از سوی مرجع قضائی در صورتی که متهم غایب باشد برگ جلب در اختیار ضابطین دادگستری قرار می گیرد تا هر جا متهم را یافتند جلب و تحویل مقام قضائی نمایند در صورت ضرورت قاضی می تواند آنها را در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی متهم توسط او ضابطین او را جلب کنند. جلب سیار فقط برای محدوده معینی که حوزه قضائی مقام صادرکننده را تشکیل می دهد صادر می شود و صرفاً توسط ضابطین دادگستری همان حوزه قابل اجرا است. اصولاً جلب متهم باید در روز به عمل آید. در صورتیکه بیم فرار متهم در حین انتقال یا بیم تبانی او با دیگران یا بیم امحای آثار جرم وجود داشته باشد ماموران می توانند پس از جلب حداکثر تا ۲۴ ساعت از زمان جلب متهم را تحت نظر خود باز داشت کنند و بیش از این مدت غیر قانونی است.</p>
بازداشت متهم	<p>قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف ۲۴ ساعت مبادرت به تحقیق نماید و در غیر این صورت باز داشت غیر قانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. نخستین اقدام در باز جویی از متهم پرسیدن نام و مشخصات اوست که استعلام هویت نام دارد که شامل مشخصات متهم و آدرس دقیق او می باشد که این نشانی اعلام شده به عنوان اقامتگاه او تا اعلام تغییر آن توسط وی و ارایه نشانی جدید همچنان معتبر باقی مانده و هر گونه ابلاغ به این نشانی در صورت تغییر و عدم اعلام آن قانونی محسوب شده و منشا اثر خواهد بود و این امر توسط باز پرس باید به متهم تفهیم شود. اقدام بعدی تفهیم اتهام به متهم است و آن امری بیش از اعلام اتهام است و به واقع باید به متهم فهمانده شود که چه عمل مجرمانه به وی نسبت داده شده و او بداند که برای چه احضار شده تا بتواند به خوبی از خود دفاع کند علاوه بر اتهام باید دلایل آن نیز به صورت صریح به متهم تفهیم شود. پس از تفهیم اتهام مرجع تحقیق دوباره قبول یا عدم قبول اتهام از وی سوال کند و چون اغلب با عدم قبول آن مواجه است باید سوالاتی از او بپرسد.</p>
باز جویی از متهم	

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) بازجویی از متهم

<b>بازجویی از متهم</b>	<p>در جریان بازجویی و تحقیق باید از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب کرد و بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پست سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.</p> <p>سوالات : باید مفید و روشن باشد . سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. با وجود اهمیت بازجویی ، متهم مجبور به پاسخگویی نخواهد شد و در صورت امتناع از پاسخ دادن امتناع او در صورت مجلس قید می شود.</p> <p>یاد آوری حق سکوت متهم به او تکلیف باز پرس یا مقام تحقیق نیست.</p> <p>بر پایه اصل براءت پس از شنیدن اظهارات شاکی و شاهد توسط مرجع تحقیق و جمع آوری دلایل ، همیشه آخرین کسی که مطالبی را می گوید باید متهم باشد تا در جهت تثبیت اصل براءت هر دفاعی را که به نظرش می رسد اظهار دارد.</p>
<b>تفتیش اماکن</b>	<p>در مواردی که برای دستگیری متهم یا کشف آلات و وسایل یا دلایل ارتکاب جرم <u>ظن قوی</u> وجود داشته باشد که می توان آنها را در محل معینی یافت مرجع تحقیق می تواند دستور تفتیش یا بازرسی آن محل را به و این محل لزوماً محل ارتکاب جرم نیست و ممکن است فقط محل مخفی شدن یا مخفی کردن دلایل ارتکاب جرم باشد مرجع تحقیق می تواند شخصاً یا توسط ضابطین به این کار مبادرت ورزد.</p> <p>دستور بازرسی یا تفتیش مجوز ورود به منزل یا سایر اماکن خصوصی محسوب نمی شود و در صورتی که محل مورد نظر یک مکان خصوصی باشد لازم است که مرجع تحقیق علاوه بر دستور تفتیش اجزاء ورود ماموران به محل مورد بازرسی را هم بدهد.</p> <p>تفتیش اصولاً در روز انجام می شود ولی در موارد ضرورت برای حفظ آثار و دلایل و جلوگیری از فرار متهم ممکن است در شب انجام گیرد که در این صورت دلیل ضرورت باید در صورتمجلس قید شود. حریم خصوصی افراد باید در جریان تحقیقات مقدمات حفظ گردد و نقض و محدود کردن آنها تنها بر مبنای ضرورت تحقیق و در حدود مقرر در قانون صورت گیرد.</p>
<b>معاینه محل و تحقیقات محلی</b>	<p>معاینه محل: ملاحظه صحنه جرم و آثار به جا مانده از آن در محل ارتکاب است برای تشخیص چگونگی ارتکاب جرم ، امکان دخالت چند نفر در آن یا اقدام انفرادی یک نفر ، مقاومت و عدم مقاومت مجنی علیه و ... .</p> <p>عدم حضور اشخاص که در امر جزایی شرکت دارند مانع انجام تحقیقات ( معاینه ) نخواهد بود ولی می توانند حضور یابند.</p> <p>هنگام تحقیق و معاینه محل ، تمامی آثار و علائم مشهود و مشکوفه که به نحوی در قضیه موثر است در صورت مجلس قید می شود</p> <p>تحقیقات محلی: حضور در محل وقوع جرم یا محل اقامت متهم یا اقامت شاکی و جمع آوری اطلاعات از اهالی محل است.</p> <p>تحقیقات محلی و معاینه محل شخصاً توسط مرجع تحقیق و یا با ارجاع وی به ضابطین توسط آنان صورت می گیرد.</p>
<b>جلب نظر کارشناس</b>	<p>از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد، از قبیل پزشک، داروساز ، مهندس ، ارزیاب و ... جلب کارشناسی : چنانچه در جرائم <u>مخل امنیتی</u> و یا <u>خلاف نظم عمومی</u> اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیافته و من به الکفایه نباشد به حکم قاضی جلب خواهد شد.</p> <p>در مورد نحوه انتخاب کارشناسی توسط مرجع تحقیق و چگونگی اعلام نظر وی باید به موارد ۸۳- ۹۵ آ.د.ک و نیز موارد مرتبط در ق. آدم و قانون کانون کارشناسی مراجعه کرد</p>

## نیابت - قرار های مرحله تحقیقاتی

<p>مرجع تحقیق در جریان تحقیقات نسبت به جرمی که در حوزه صلاحیت اوست ، نمی تواند اقداماتی را در خارج از حوزه قضائی خود انجام داده یا دستور انجام آن را به ضایلین دهد در این حال اگر انجام اقداماتی خاص مانند شنیدن اظهارات شاهد ، انجام تحقیقات محلی، توقیف ملک و جلب متهم و ... در خارج از حوزه قضایی مرجع رسیدگی به پرونده لازم باشد باید از طریق این مرجع به مرجع قضائی صالح در محل انجام آن اقدام نیابت دهد تا اقدام های مورد نظر توسط آن مقام انجام گیرد.</p> <p>مواردی که نیابت پذیر نیستند و باید توسط خود قاضی صادر کننده رای انجام گیرد : مواردی که اقرار متهم، شهادت، شهادت بر شهادت شاهد، مستند رای دادگاه باشد استماع باید توسط خود قاضی صورت گیرد.</p> <p>اخذ تامین توسط مرجع نایب : الف) مرجع درخواست دهنده نوع اخذ تامین را معین کرده باشد ← مرجع نایب طبق همان عمل می نماید.</p> <p>ب) توسط مرجع نیابت دهنده درخواست اخذ تامین نشده باشد ← لزوم اخذ - تغییر تامین در خواست شده به مرجع نایب واگذار گردیده</p> <p>ج) تامین اخذ شده را مجری نیابت مناسب تشخیص ندهد یا تامین گرفته نشده باشد ← مرجع نایب به تشخیص خود اخذ تامین مناسب می کند.</p> <p>اظهار نظر در مورد مجرمیت یا منع تعقیب و ... ← در صلاحیت مجری نیابت نبوده و در صلاحیت مرجع معطی نیابت است و قابل تفویض نمی باشد.</p>	<p><b>نیابت قضایی</b></p> <p><b>نیابت ناپذیری</b></p> <p><b>أخذ تامین</b></p> <p><b>مجرمیت یا منع تعقیب</b></p>
<p>عبارت است از تصمیم مرجع قضایی برای تکمیل تحقیقات یا اظهار نظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه متهم در دادگاه</p> <p>قرار های اعدادی (تمهیدی یا مقدماتی) : قرار هایی که پرونده را معد یا مهیا برای اظهار نظر در مورد دلایل یا قابلیت محاکمه متهم می سازد مثل قرار ارجاع امر به کارشناسی و ...</p> <p>قرار های نهایی : قرار هایی که محتوی آن اظهار نظر در مورد اتهام متهم و دلایل آن و لزوم یا عدم لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه متهم است. مثل قرار مجرمیت و ...</p>	<p><b>قرار اعدادی</b></p> <p><b>نهایی</b></p>
<p>الف) <u>قرار تامین خواسته</u> : برای جلوگیری از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تضییع حق زیان دیده از جرم برای شاکی این امکان داده شده است که از مرجع تقاضای صدور قرار تامین خواسته نماید.</p> <p>مرجع تحقیق در صورت <u>تقاضای شاکی</u> و مبتنی آن بر دلایل <u>قابل قبول</u> حاکی از ارتکاب عمل توسط متهم ، ورود ضرر به شاکی، انتساب ضرر به عمل متهم <u>مکلف</u> به صدور قرار تامین خواسته است. در موردی که جرم مستوجب <u>دیه</u> باشد و یا ازش مرجع قضایی به تقاضای شاکی اقدام به صدور این قرار می کند صدور قرار تامین خواسته در امور کیفری منوط به تودیع خسارت احتمالی به شرح مقرر در ق. آ. د. م نمی باشد.</p> <p>الف) دادگاه: اگر پرونده در دادگاه مطرح باشد و شاکی در خواست صدور قرار تامین نموده و دادگاه این قرار را صادر نماید ← قابل اعتراض نبوده و قطعی است.</p> <p>ب) دادیار: باید به تائید دادستان برسد و نظر او متبّع است. در صورت قابل اعتراض از طرف <u>متهم</u> ظرف <u>۱۰ روز</u> در دادگاه عمومی یا انقلاب</p> <p>ج) باز پرس: باید به تائید دادستان برسد و در صورت اختلاف مرجع حل اختلاف دادگاه عمومی و انقلاب است و این قرار ظرف <u>۱۰ روز</u> قابل اعتراض در دادگاه عمومی یا انقلاب است.</p> <p>اعتراض به قرار ها باعث توقف جریان تحقیق و مانع اجرای قرار <u>نبوده</u> و کلیه اقدامات باز پرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به فوت خود باقی خواهد بود.</p>	<p><b>قرار های تمهیدی</b></p> <p><b>صادر کننده قرار</b></p> <p><b>قابلیت اعتراض آن</b></p>



## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) قرار تامین کیفری

### قرار و وثیقه

به موجب آن صادر کننده قرار از متهم می خواهد که متعدد شود که هر گاه به مرجع قضایی احضار شد حاضر گردد و برای تضمین انجام این تعهد وثیقه ای به مبلغ معین بپردازد لزومی ندارد وثیقه گذار خود متهم باشد بلکه شخص ثالث نیز می تواند اقدام به وثیقه گذاری نماید.

اخذ وثیقه اعم است از: وجه نقد- ضمانت نامه بانکی - مال منقول - مال غیر منقول- بیمه نامه شخص ثالث در جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمدی ناشی از رانندگی قرار وثیقه نیز مثل قرار کفالت از دو قرار جداگانه قرار اخذ وثیقه و قرار قبولی وثیقه تشکیل شده است.

صدور قرار وثیقه باید در مواردی صورت گیرد که قرار کفالت برای تضمین حضور کافی نباشد و به دلیل اهمیت جرم یا اوضاع و احوال دیگر قرار وثیقه مناسبتر باشد.

تعیین مبلغ وثیقه: همان ضابطه تعیین وجه الکفاله را دارد.

کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از دادرسی با معرفی و تحویل متهم می توانند درخواست رفع مسئولیت و یا آزادی وثیقه خود را نمایند در این صورت متهم باید کفیل دیگری یا وثیقه جدیدی او دیه نماید در غیر این صورت باز داشت خواهد شد. (قبولی یا عدم قبولی تقاضای رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه با مرجع قضایی ایست).

### الف) خود متهم وثیقه نهاده:

فرض اول (حضور به موقع متهم در مواقع احضار)

۱- متهم تیرئه شده یا قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر یا پرونده مختومه شود و قرار نیز قطعی شود ← قرار تامین صادر شده ملغی الاثر می گردد (بدون هر اقدام

قضائی)

۲- متهم مجرم تشخیص داده شده و محکوم گردد ← اگر محکوم به جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی گردد و آن کمتر از تامین گرفته شده باشد تا میزان محکومیت از وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه اللاتزام پرداخت شده و مابقی به متهم رد می شود - اگر محکوم به ضرر و یا جزای نقدی نگردد به محض شروع اجرای حکم یا قطعی تعلیق مجازات قرار تامین ملغی الاثر می شود.

فرض دوم (عدم حضور متهم در مواقع احضار): اگر محکوم شده باشد، محکوم به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی از تامین گرفته شده پرداخت و مابقی به نفع دولت ضبط اگر محکوم نشده باشد همه تامین گرفته شده با دستور دادستان به نفع دولت ضبط می شود

ب) کفیل یا وثیقه گذار ثالث باشد.

فرض اول: حضور متهم در مواقع احضار: ۱- محکومیت به جزای نقدی یا ضرر مرعی خصوصی ۲- محکومیت به حبس

فرض دوم: عدم حضور متهم در مواقع احضار: به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود که ظرف بیست روز متهم را حاضر کند و گرنه وثیقه یا وجه الکفاله ضبط خواهد شد برای اخذ وجه الکفاله یا ضبط وثیقه تنها ابلاغ واقعی به کفیل یا وثیقه گذار پذیرفته شده است ولی اگر ثابت شود آنها به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه نشانی حقیقی خود را اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده ابلاغ قانونی اخطاریه برای وصول وجه الکفاله یا ضبط وثیقه کافی است.

\* با وجود اخطار به کفیل و وثیقه گذار برای حاضر نمودن متهم، مرجع تحقیق می تواند دستور جلب متهم را نیز به ضابطین بدهد و ایندو مانع الجمع نیستند.

<p>صدور دستور اخذ وجه الكفاله - وجه الالتزام - ضبط وثيقه بر عهده دادستان است.</p> <p>قابليت اعتراض دستور اخذ وجه الالتزام يا وجه الكفاله يا ضبط وثيقه: متهم - كفيل وثيقه گذار مي تواند ظرف ۱۰ روز از تاريخ دستور دادستان به اين دستور اعتراض نمايند مرجع رسيدگي به اعتراض: دادگاه عمومي جزايي - انقلاب</p> <p>مواردی که به خاطر آنها می توان اعتراض نمود:</p> <p>۱- بخواهد ثابت نمايند که متهم در موعد مقرر حاضر شده يا او را حاضر نموده اند يا شخص ثالثی او يا حاضر نموده است.</p> <p>۲- بخواهند ثابت نمايند متهم قبل از موعد فوت کرده است. ۳- بخواهد ثابت نمايند که پس از صدور قرار قبول كفالت يا التزام معسر شده اند</p> <p>۴- اگر بخواهند که ثابت نمايند به جهاتي که ذکر می شود نتوانسته اند متهم را حاضر کنند يا متهم حاضر شود:</p> <p>الف) نرسیده احضار نامه يا دير رسيدن احضار نامه به طوری که مانع از حضور در وقت معين شود. (ب) مرض مانع از حرکت</p> <p>ج) فوت همسر يا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم (ج) ابتلاء به حوادث مهم از قبيل حريق و امثال آن</p> <p>د) عدم امکان تردد به وسطه حوادث قهري مانند طغيان رودخانه و امراض مسری (ح) در توقيف بودن.</p> <p>اجرای حکم نمی تواند دستور قانونی دادستان را در مورد وصول وجه الكفاله يا وجه الالتزام يا ضبط وثيقه ، ابطال نمايد يا موجبي برای اعتراض شود.</p>	
<p>(توقيف احتياطي) شديد ترين و مهمترين قرار تامين كيفري که سلب آزادی رفت و آمد متهم قبل از محكوميت است.</p> <p>معايب: الف) برخلاف اصل براءت است. ب) موجب لطمه به حيثيت و اعتبار و موقعيت اجتماعي فرد است که به راحتی قابل جبران نيست. ج) موجب تاثير منفي بر ذهن قاضي صادر کننده حکم و تسهيل صدور حکم محكوميت است. د) بر خلاف اصل برابري سلاح هاست. (طبق اصل برابري سلاح ها متهم و مقام تعقيب بايد از وسايل و امکانات برابر برای دفاع برخوردار باشند)</p> <p>مزایا: الف) موثرترين وسيله دستيابی به متهم و تضمين حضور او در مواقع لزوم ب) جلوگیری از تبائی متهم با سايرين يا فرار دادن متهم از طريق آگاه ساختن آنها از تعقيب كيفري ج) جلوگیری از فشار متهم بر بزه دیده و شاهد د) تامين امنيت و مصون نگه داشتن متهم از انتقام بزه دیده يا بستگان او.</p> <p>وجود تمايز قرار باز داشت موقت از ساير قرار های تامين:</p> <p>الف) بر خلاف ساير قرار های تامين نياز به توجيه و استدلال دارد.</p> <p>ب) بر خلاف ساير قرار های تامين صدور قرار باز داشت بايد به موافقت دادستان برسد ( اگر داديار و يا باز پرس راسا قرار باز داشت صادر کند بايد به تاييد دادستان برسد و نظر او متبع است. و نيز اگر اين قرار را دادگاه حتی دادگاه كيفري استان صادر شود بايد به تاييد رئيس حوزه قضائي برسد و يا معاون وی تاييد نمايد.</p> <p>ج) برخلاف ساير قرارهای تامين قرار باز داشت موقت قابل اعتراض است.</p> <p>د) برخلاف ساير قرار های تامين صدور آن در حقوق الناس منوط به تقاضای شاکی است.</p> <p>ح) برخلاف ساير قرار های تامين ، اصل منع دستگيري افراد ايجاب می کند که در موارد ضروري نيز به حکم و ترتيبی باشد که در قانون معين گردیده است و طرف مدت مقرر پرونده به مرجع قضائي صالح ارسال شود و خانواده دستگير شدگان در جريان قرار گیرند.</p>	<p><b>بازداشت</b></p> <p><b>موقت</b></p> <p><b>معايب</b></p> <p><b>مزایا</b></p> <p><b>ویژگیهای</b></p> <p><b>قرار باز</b></p> <p><b>داشت</b></p>

### موارد اختیاری و الزامی صدور قرار باز داشت

<b>موارد اختیاری</b>	<p>موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت:</p> <p>الف) جرائمی که مجازان قانونی آنها اعدام ، رجم ، صلب ، قطع عضو باشد.</p> <p>ب) جرائم عمدی که حداقل مجازات قانونی آنها <u>سه سال حبس</u> باشد. (سه سال یا بیشتر)</p> <p>ج) جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور (د) در مواردی که آزادی بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود. (ه) در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای بینه اقامه کردن حداکثر به مدت <u>شش</u> روز.</p> <p>« مراعات مقررات بند «د» در بند های الف و ب و ج نیز الزامی است» ایراد ← با تعیین ضابطه چه نیازی به شمارش بند های الف - ب - ج بود؟</p> <p>در جرایم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب فساد شود ← منظور از وجود جنبه شخصی وجود شاکی خصوصی است و مقصود آن دسته از جرایم منافی عفت است که در آن شخص معینی هم که از ارتکاب جرم متضرر گردیده شکایت خود را برای تعقیب تسلیم نماید و مانند قربانی زنانی به عفت، پس اگر در جرایم منافی عفت شاکی خصوصی در میان نباشد باز داشت متهم جایز نیست مگر در مواردی که آزاد بودن وی موجب فساد گردد (فساد اخلاقی)</p>
<b>موارد الزامی صدور قرار بازداشت</b>	<p>در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ و تبصره های آن هر گاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار باز داشت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت مشروط بر اینکه مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید.</p> <p>الف) قتل عقد- آدم ربایی- اسید پاشی- مجاربه و افساد فی الارض (ب) در جرائمی که مجازات آنها اعدام یا حبس دائم باشد.</p> <p>ج) جرائم سرقت ، کلاهبرداری ، اختلاس ، ارتشاء ، خیانت در امانت ، جعل ، استفاده از سند مجعول : در صورتی که متهم حداقل سابقه <u>یک</u> فقره محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی داشته باشد. (د) در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد. (ه) در کلیه جرائمی که بموجب قوانین خاص مقرر شده باشد.</p> <p>ابهامات این ماده:</p> <p>۱- قتل عمد هم در بند ه ماده ۳۲ آمده و هم در بند الف ماده ۳۵ : اگر اولیاء دم در هنگام شکایت <u>بینه</u> داشته باشد موضوع ماده ۳۵ و اگر بینه نداشته باشد بند ه ماده ۳۲ است</p> <p>۲- جرائمی که مجازات قانونی آنها اعدام باشد در ماده ۳۲ و هو در ماده ۳۵ آمده است در موارد مجاربه و افسار فی الارض است چون چهار مجازات دارد که یکی از آنها صلی است که یا می توان از دیدگاه عنوان مجرمانه نگاه کرد و باز داشت را الزامی دانست و یا به مجازات آن توجه کرد و آنرا از موارد اختیاری باز داشت دانست.</p> <p>۳- مراد از فساد در مواردی که آزادی متهم موجب فساد است معلوم نیست و تفاسیر زیاد دارد ۴- در قوانین خاص آیا آنها تابع قواعد خودند یا باید مقررات ماده ۳۵ نیز در آنها مراعات شود.</p> <p>۵- برخی قوانین خاص درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح و یا قتل بوسیله چاقو یا نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند (رشوه بیش از دویست هزار ریال - اختلاس زاید بر صد هزار ریال) ← <u>یک ماه الزامی</u></p>

باز بینی	<p>پس از صدور قرار باز داشت توسط بازپرس یا دادیار پرونده باید ظرف مدت بیست و چهار ساعت برای اظهار نظر دادستان نسبت به این قرار برای وی ارسال گردد و در صورت مخالفت دادستان با این قرار نظر دادستان متبع است و باید متهم آزاد شود و مرجع باید قرار تامین دیگری در مورد او صادر نماید در این حالت مناسبترین قرار قرار وثیقه به نظر می رسد و اگر متهم در اثر ناتوانی تودیع وثیقه توسط خودش یا دیگری به بازداشگاه معرفی شود این بازداشت نیاز به موافقت دادستان ندارد.</p> <p>در قانون به دادستان اجازه داده شده که از باز پرس تقاضای صدور قرار بازداشت نماید ، اگر چه اگر از دادیار تقاضا نماید باید تعبیت نماید ولی باز پرس تکلیفی به تبعیت ندارد و می تواند با این درخواست مخالفت نماید. در این زمینه حل اختلاف نظر میان باز پرس و دادستان بر حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود.</p> <p>در صورتی که باز پرس و دادستان درنمورد قرار باز داشت توافق نظر داشته باشند این قرار به متهم ابلاغ می شود و متهم طرف ده روز از تاریخ ابلاغ حق اعتراض دارد مرجع رسیدگی به این اعتراض حسب مورد دادگاه عمومی جزائی یا انقلاب محل است.</p>
موافقت دادستان	<p>چنانچه متهم معتقد باشد که دلایل که صدور بازداشت او را ایجاب می نموده دیگر وجود ندارد می تواند از مرجع صادر کننده قرار بخواند که به بازداشت او خاتمه دهد مرجع مذکور موظف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست متهم ، تقاضای او را بررسی و نسبت به آن اظهار نظر نموده و نتیجه را به دادستان اعلام نماید در هر حال متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند ( در هر ماه شمسی یک بار و یک ماه پس از درخواست قبلی) رفع بازداشت ← با تایید دادستان صورت می گیرد.</p>
اعتراض به ادامه بازداشت	<p>مرجع رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت صادر شده توسط دادگاه عمومی جزائی یا انقلاب ← دادگاه تجدید نظر استان هر چند رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد.</p> <p>مرجع رسیدگی به اعتراض به قرار باز داشت صادره از دادگاه کیفری استان ← دیوان عالی کشور</p> <p>تکلیف دادگاه یا دادسرا به باز نگری قرار باز داشت صادر شده در فواصل زمانی معین:</p> <p>الف) جرم در صلاحیت دادگاه کیفری استان: تا چهار ماه متهم باز داشت باشد ب) جرم در سایر موارد تا دو ماه متهم در بازداشت باشد</p> <p>یا در هر دو مورد به علت صدور قرار تامین کفالت و یا وثیقه و عدم قرار تامین آن توسط متهم ، وی بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم قرار نهایی در دادسرا نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم است مگر اینکه جهات قانونی دیگری یا علل موجه دیگری برای بقاء قرار تامین باز داشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علت ابقاء خواهد شد ، متهم حق دارد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از این رای به دادگاه عمومی و انقلاب حسب مورد شکایت کند.</p>
مدت بازداشت موقت	<p>فک قرار باز داشت ← حذف قرار تامین و عدم تخفیف آن ← با موافقت دادستان ← در صورت بروز اختلاف حل آن توسط دادگاه عمومی - انقلاب حسب مورد ابقاء قرار باز داشت ← جهات قانونی : حکم قانون گذار مبنی بر ادامه آن : مثلاً ماده ۳۵ مقرر می دارد که در این موارد قرار باز داشت تا صدور حکم بدوی ادامه دارد علل موجه: دلایل خاص مربوط به اوضای و احوال پرونده نظیر بیم مخفی شدن یا فرار متهم.</p> <p>سه موعود برای مدت باز داشت وجود دارد که هر یک از آنها زودتر فرا رسد زمان آزادی متهم فرا می رسد مگر اینکه به دلایلی ادامه باز داشت تا موعود دیگر لازم باشد.</p> <p>۱- چهار ماه در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است و دو ماه در سایر جرائم</p> <p>۲- رسیدگی به مدت باز داشت متهم به حداقل میزان حبس پیش بینی شده برای جرم مستنب به متهم</p> <p>۳- صدور حکم دادگاه بدوی</p>

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) قرار های نهایی

<b>قرار های نهایی</b>	<p>قرار هایی هستند که موجب پایان یافتن انجام تحقیقات مقدماتی توسط مرجع تحقیق شده و پس از تایید آن پرونده را بایگانی و یا جهت رسیدگی به دادگاه ارسال قرار منع تعقیب : اظهار نظر ماهوی است و در سه مورد صادر می گردد:</p> <p>۱- <u>عمل متضمن جرمی نبوده</u> است مثلا در بررسی پرونده متهم به معامله معارض و یا انتقال مال غیر معلوم می شود که این جرم اتفاق نیافتاده مثل اینکه موجر به مدت یک سال ملکی را که شاکی اجاره داده و در اجاره نامه ای دیگر به مدت یک سال از انتهای سال جاری به شخص دیگر اجاره داده است.</p> <p>۲- اصولا <u>جرمی واقع نشده است</u> : یعنی عملی که به متهم نسبت داده می شود در قانون جرم است ولی در تحقیقات معلوم می شود که جرم اتفاق نیافتاده است.</p> <p>۳- دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد : مثل شخص معرفی شده به قتل توسط اولیای دم ، در تحقیقات معلوم شود که مرتکب قتل نشده و قاتل شخص دیگر است.</p>
<b>قرار موقوفی تعقیب</b>	<p>یک قرار <u>شکلی</u> است و در موارد زیر صادر می شود:</p> <p>۱- فوت متهم یا محکوم علیه در مجازاتهای شخصی</p> <p>۲- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت</p> <p>۳- مشمولان عفو</p> <p>۴- نسخ مجازات قانونی</p> <p>۵- اعتبار امر مختومه</p> <p>۶- مرور زمان در مجازاتهای باز دارنده</p> <p>۷- احراز جنون متهم در زمان ارتکاب جرم.</p> <p>۸- قابل تعقیب نبودن به خاطر مصونیت سیاسی و ...</p>
<b>قرار ترک تعقیب</b>	<p>قرار ترک تعقیب: در صورت درخواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه قرار ترک تعقیب صادر می گردد- این امر مانع از شکایت مجدد نمی باشد این قرار <u>فقط</u> در جرائم مربوط به حقوق الناس مجاز شمرده شده است . ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک</p>
<b>قرار مجرمیت</b>	<p>قرار مجرمیت: در صورتی که به عقیده مرجع تحقیق دلایل کافی بر ارتکاب جرم توسط متهم وجود داشته و او شایسته محاکمه در دادگاه باشد این قرار را صادر می کند. و پرونده با صدور کیفرخواست توسط دادستان جهت محاکمه و صدور حکم به دادگاه ارسال می گردد</p>
<b>مسائل مربوط به قرار های نهایی.</b>	<p>کلیه قرارهای نهایی صادره توسط باز پرس یا دادیار باید به تایید <u>دادستان</u> برسد پس از آنکه تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان می فرستد دادستان نیز مکلف است ظرف <b>پنج روز</b> از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه و نظر خود را اعلام دارد.</p> <p>۱- موافقت دادستان با قرار منع یا موقوفی تعقیب ← قرار به طرفین ابلاغ می شود و <u>شاکی</u> ظرف <u>ده روز</u> حق اعتراض به این قرار در دادگاه عمومی جزایی یا انقلاب</p> <p>۲- موافقت دادستان با قرار ترک تعقیب و قرار مجرمیت ← با صدور قرار ترک تعقیب پرونده <u>بایگانی</u> و با قرار ترک مجرمیت کیفرخواست صادر و به دادگاه ارسال می شود حق اعتراض وجود <u>ندارد</u></p> <p>۳- مخالفت دادستان با رای قرار نهایی صادر از جانب بازپرس ← پرونده جهت حل اختلاف حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب ارسال و رای دادگاه قطعی است.</p> <p>رای دادگاه در رسیدگی به اعتراضات ← قطعی است و قابل تجدید نظر نیست.</p> <p>۴- اختلاف دادستان با بازپرسی در باره نوع جرم ← حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب خواهد بود</p>

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) دعوی خصوصی

<b>دعوی خصوصی</b>	<p>اگر ارتکاب جرم موجب دو حق ، یکی حق جامعه برای مجازات مرتکب و دیگری حق زیان دیده برای مطالبه زیان خود گردد امکان طرح دو دعوی ، یکی دعوی عمومی و دیگری دعوی خصوصی فراهم می شود و هر دو دعوا در دادگاه جزائی قابل طرح است.</p> <p>ماده ۲ ق.آ.د.ک: کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می گردد:</p> <p>اول: جرائمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی</p> <p>دوم: جرائمی که تعدی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی است.</p> <p>سوم: جرائمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است.</p> <p>تبصره ۲: جرمی که دارای دو جنبه باشد می تواند موجب دو ادعا گردد:</p> <p>الف) دعای عمومی برای حفظ حدود الهی و نظم عمومی</p> <p>ب) ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف و ضرر و زیان</p> <p>در نتیجه: دعوی خصوصی قابل طرح در مرجع کیفری دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم است و شامل هر دعوی حقوقی که بزه دیده حق طرح دارد را نمی گردد.</p> <p>ماده ۹ ق.آ.د.ک: ضرر و زیان های قابل مطالبه به شرح ذیل است:</p> <p>۱- ضرر و زیان های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.</p> <p>۲- منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم ، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود</p> <p>ضرر و زیانهای <u>مادی</u> : خسارتی است که به دارایی و جسم شخص وارد می شود اعم از اینکه عین مال او را کلاً یا جزئاً تلف نماید و یا سبب تحمیل هزینه ای برای ترمیم موقعیت وی گردد.</p> <p>منافعه ممکن الحصول: منافی که سبب تحقق آنها موجود بوده (مقتضی وجود آنها حاصل شده) و روند طبیعی امور منجر به حصول آنها میشده ولی تحقق جرم مانع تحقق این منافع گردیده است</p> <p>چنانچه ثابت گردد که میزان دیه تعیین شده کافی برای جبران خسارتی که شاکی متحمل گردیده ، نیست ، دادگاه می تواند در صورت مطالبه ، حکم به محکومیت متهم به پرداخت آنها صادر نماید.</p>
<b>ضرر و زیان های قابل مطالبه</b>	<p>هرگاه دادگاه متهم را <u>مجرم</u> تشخیص دهد <u>مکلف</u> است ضمن صدور حکم جزائی ، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزائی را صادر پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید (ماده ۱۲-ق.آ.د.ک)</p> <p>مطابق رای وحدت رویه قضائی شماره ۶۴۹ - ۵ / ۷ / ۷۹ ماده مذکور دلالتی بر منع رسیدگی نسبت به امر ضرر و زیان در صورت صدور حکم برأت ندارد.</p>
<b>هزینه های مازاد بردیه</b>	<p>هرگاه دادگاه متهم را <u>مجرم</u> تشخیص دهد <u>مکلف</u> است ضمن صدور حکم جزائی ، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزائی را صادر پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید (ماده ۱۲-ق.آ.د.ک)</p> <p>مطابق رای وحدت رویه قضائی شماره ۶۴۹ - ۵ / ۷ / ۷۹ ماده مذکور دلالتی بر منع رسیدگی نسبت به امر ضرر و زیان در صورت صدور حکم برأت ندارد.</p>
<b>امکان رسیدگی دادگاه جزائی به دعوی خصوصی</b>	<p>هرگاه دادگاه متهم را <u>مجرم</u> تشخیص دهد <u>مکلف</u> است ضمن صدور حکم جزائی ، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزائی را صادر پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید (ماده ۱۲-ق.آ.د.ک)</p> <p>مطابق رای وحدت رویه قضائی شماره ۶۴۹ - ۵ / ۷ / ۷۹ ماده مذکور دلالتی بر منع رسیدگی نسبت به امر ضرر و زیان در صورت صدور حکم برأت ندارد.</p>

## شرایط طرح دعوی خصوصی

شرایط طرح دعوی خصوصی در مرجع کیفری:

**الف) در جریان بودن دعوای عمومی:** بدواً باید تعقیب کیفری متهم براساس شکایت بزه دیده یا اقدام دادستان به جریان افتاده باشد، سپس دعوای خصوصی بزه دیده به عنوان کسی که از وقوع جرم متضرر شده در دادگاه کیفری قابل رسیدگی شود، زیرا رسیدگی و امکان طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری یک امری استثنائی است و فقط با شرط دخالت این مرجع در امر کیفری منشا خسارت تجویز شده است.

**ب) لزوم تقدیم دادخواست و استثنائات آن:** مطالبه ضرر و زیان مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است و مطابق ماده ۱۱ ق.آ.د.ک «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی یا شاکی می تواند اصل یا رو نوشت تمامی دلایل و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کرده و مطالبه ضرر و زیان کند.»

هر چند مدعی یا شاکی از نخستین مراحل فرایند رسیدگی در دادسرا و جریان تحقیقات دادخواست ضرر و زیان خود را به دادیار یا باز پرس مامور تحقیق تسلیم نماید نا در دادگاه مورد رسیدگی قرار گیرد ولی این کار توصیه نمی شود بلکه بهتر است وقتی که پرونده به دادگاه ارسال شد دادخواست را به دادگاه تقدیم کند زیر در دادسرا اگر قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر شود اصلاً پرونده به دادگاه ارسال نمی شود تا مورد رسیدگی قرار گیرد و مدعی ناچار به پرداخت هزینه دادرسی دوباره در دادگاه حقوقی می شود.

مواردی که نیازی به تقدیم دادخواست ندارد:

۱- رد مال تحصیل شده از جرم: طبق ماده ۱۰ ق.م.ا «باز پرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را ... که از جرم تحصیل شده ... تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم گردد.

شرط این تکلیف این است که مال مزبور در جریان تحقیقات و رسیدگی کشف شده باشد و عین مال تحصیل شده از جرم نیز موجود باشد و گرنه دادگاه تکلیفی به حکم به رد عین یا مثل و قیمت ندارد

۲- تکلیف دادگاه به صدور حکم به پرداخت مالی به شاکی در جرائم خاص:

۱- جرم کلاهبرداری: محکوم نمودن متهم به رد مال تنها در موردی است که دادگاه او را مجرم تشخیص داده و به مجازات محکوم نماید و نیز محدود به صدور حکم به رد اصل مال است نه اجره المثل یا ...

۲- جرم سرقت (فقط تعزیری نه سرقت جدی) - اختلاس - حرق و تخریب: دادگاه رأساً موظف است که علاوه بر حکم به مجازات، متهم را به رد مال به مالک آن نیز محکوم نماید و اگر عین مال موجود نباشد (بر خلاف جرم کلاهبرداری) دادگاه موظف به صدور حکم به پرداخت مثل یا قیمت مال به مالک است.

۳- مطالبه دیه وارث: مستلزم تسلیم دادخواست و هزینه دادرسی نیست و صرف تقاضای شاکی کافی است.

**ج) رعایت مهلت تقدیم دادخواست:** مدعی خصوصی تا زمان اعلام ختم دادرسی توسط دادگاه فرصت دارد که دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم نماید:

مطابق ماده ۱۱ ق.آ.د.ک «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت شاکی می تواند اصل یا رو نوشت به مرجع تسلیم کند و نیز می تواند قبل از اعلام ختم دادرسی تسلیم دادگاه نماید و ...»

شرایط طرح  
دعوای  
خصوصی

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) صلاحیت مراجع رسیدگی

<b>کیفر خواست</b>	<p>پس از صدور قرار مجربیت توسط بازپرس یا دادیار و موافقت دادستان با آن صدور کیفرخواست پرونده متهم جهت محاکمه و صدور حکم به دادگاه ( مرجع رسیدگی و صدور حکم ) ارسال می گردد.</p> <p>کیفرخواست: تقاضا نامه دادستان از مرجع رسیدگی مبنی بر صدور حکم به محکومیت و مجازات متهم ، کیفرخواست نامیده می شود و باید حاوی کلمات زیر باشد:</p> <p>۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، محل اقامت، وضعیت سواد، وضعیت تاهل      ۲- نوع قرار تامین با قید اینکه متهم بازداشت است یا آزاد.</p> <p>۳- نوع اتهام      ۴- دلایل اتهام      ۵- موارد قانون استناد      ۶- سابقه محکومیت کیفری در صورت سابقه دار بودن متهم      ۷- تاریخ و محل وقوع جرم.</p> <p><b>صلاحیت:</b> شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع ( توانایی و تکلیف برای رسیدگی)</p>
<b>ویژگی های قوانین و مقررات صلاحیت</b>	<p>ویژگیهای قوانین و مقررات مربوط به صلاحیت: * از جمله قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی است و دارای نتایجی است: ۱ - قابل تراضی بر خلاف آن از طرف افراد ذینفع نیست</p> <p>۲- اعتراض به صلاحیت در هر مرحله از روند رسیدگی امکان پذیر است و محدود و مقید به زمان خاصی و مرحله و مقطع خاصی نیست ۳- مرجع رسیدگی باید بدو صلاحیت خود را برای این کار احراز نموده و در صورت عدم صلاحیت از رسیدگی خودداری کند ۴- اصولاً رای صادر شده توسط مرجع فاقد صلاحیت بی اعتبار بوده و در مرجع تجدید نظر قابل نقض</p>
<b>انواع صلاحیت صلاحیت ذاتی</b>	<p><b>صلاحیت ذاتی:</b> ملاک تعیین کننده آن موضوع اتهام است و دارای سه عنصر صنف ، نوع، درجه است.</p> <p>منظور از صنف: رسیدگی باید توسط مرجع حقوقی صورت گیرد یا کیفری یا اداری. منظور از نوع: مرجع مزبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاص</p> <p>مرجع عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند مگر اموری که صراحتاً در صلاحیت مرجع دیگر قرار گرفته باشند</p> <p>مرجع اختصاصی: صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند مگر اینکه صراحتاً امور معینی در صلاحیت آنها قرار گرفته باشد</p> <p>منظور از درجه: نیز تعیین این نکته است که رسیدگی در صلاحیت مرجع بدوی است یا مرجع تجدید نظر.</p>
<b>صلاحیت محلی</b>	<p><b>صلاحیت محلی:</b> متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده باشد محل وقوع جرم نیز براساس عنصر مادی آن تعیین می شود</p> <p><b>محل وقوع جرم مرکب:</b> جرمی است که عنصر مادی آن از دو یا چند عمل از نوع متفاوت تشکیل شده است مثل کلاهبرداری که از دو عنصر مادی توسل به وسایل متقابلبانه و دریافت مال از صاحب آن تشکیل شده است. حال اگر هر یک از عناصر این جرم در محل های مختلف ( حوزه های قضایی مختلف) واقع شده باشد محل وقوع هر جزئی از جرم به عنوان محل وقوع آن جرم تلقی می شود و مراجع قضائی آن محل صلاحیت رسیدگی به آن جرم (کل جرم) را دارند ولی در صورتی که یک دادگاه شروع به رسیدگی نماید دادگاه های دیگر باید از رسیدگی خودداری نمایند.</p> <p><b>محل وقوع جرم مستمر:</b> جرمی است که عناصر مادی آن نه با تحقق لحظه ای یک عمل ، بلکه با تداوم و استمرار آن در آنات و لحظه های پیوسته زمان تحقق می یابد مثل جرم حمل اسلحه ؛ حال اگر حمل کننده اسلحه آنرا از محل هایی به محل های دیگر حمل کند هر یک از این محل ها ، محل وقوع جرم محسوب می شود و صلاحیت رسیدگی به آن را دارد ولی اگر یکی از آن محل ها شروع به رسیدگی نماید به دلیل سبق رسیدگی حق تقدم داشته و دادگاه حوزه قضائی محل دیگر باید از رسیدگی خودداری نماید دستگیری متهم در یکی از آن محل ها سبق رسیدگی محسوب می شود</p> <p>جرم که عنصر مادی آن <b>ترک فعل</b> است : رنتار مادی از مرتکب سرنزده بلکه مرتکب عدم انجام یک وظیفه شده است مثل جرم ترک انفاق: برای تشخیص محل وقوع جرم باید به محل انجام این تکلیف توجه کرد و ترک انجام تکلیف در آن را محل وقوع جرم تلقی نمود. مثلاً محل وقوع جرم در ترک انفاقی جایی است که نفقه زن باید در آنجا پرداخت می شده و همسر نپرداخته است.</p>

## صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری

<b>صلاحیت محلی</b>	<p>جرائمی که متهمین ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده اند: ماده ۵۷ ق.آ.د.ک « هر گاه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیری شود ، در دادگاهی محاکمه می شود که در حوزه آن دستگیر شده است» پس باید متهم ایرانی باشد و در ایران دستگیر شده باشد جرائم متهمینی که ایرانی نیست یا اگر هم ایرانی است دستگیر نشده بلکه صرفاً در ایران حضور دارد ← دادگاه محل دستگیری متهم</p> <p>متهمانی که در ایران دستگیری نشده بلکه به صرف حضور آنها در ایران دادگاههای ایران صلاحیت دارند (اعم از ایرانی و خارجی) ← دادگاه محل اقامت - یا محل حضور</p>
<b>صلاحیت شخصی</b>	<p>شخصیت مرتکب گاه ضابطه تعیین صلاحیت ذاتی قرار می گیرد و قانون رسیدگی به اتهامات افرادی معین را در صلاحیت مرجعی خاص قرار می دهد و صلاحیت ذاتی براساس <u>شخصیت متهم</u> تعیین می گردد نه موضوع اتهام مثل تبصره ۲۲۰ ق.آ.د.ک «به جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام ... در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می شود» گاه صلاحیت شخصی براساس <u>شخصیت متهم</u> هم ملاک صلاحیت ذاتی و هم ملاک صلاحیت محلی است مثل ماده ۴ ق.ت.د.ع.ا « رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام شورای نگهبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی ... در صلاحیت دادگاه کیفری استان <u>تهران</u> می باشد»</p>
<b>استثنائات قواعد صلاحیت</b>	<p><b>بند اول. صلاحیت اضافی:</b> صلاحیتی که یک دادگاه علاوه بر صلاحیت اصلی خود نسبت به جرم ارتكابی در حوزه قضائی اش، نسبت به جرم دیگر واقع در خارج از حوزه قضائی خود دارد. و در دو مورد پیش بینی شده است:</p> <p><b>الف) تعدد اتهام:</b> اگر شخص مرتکب چند جرم در جاهای مختلف شود ، در دادگاه رسیدگی خواهد شد که <u>مهمترین</u> جرم در حوزه آن واقع شده است. ملاک اهمیت جرم: <u>شدت مجازات</u> مقرر در <u>قانون</u> برای آن جرم به ترتیب اهمیت مجازات: اعدام ← ( شلاق ← زندان ← اختلافی) ولی طبق تشدید مجازات ← زندان اشد از شلاق</p> <p>چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات در <u>یک درجه</u> باشند دادگاهی که مرتکب در آن حوزه <u>دستگیر</u> شده رسیدگی و اگر دستگیر نشده باشد دادگاه که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم مذکور را دارد.</p> <p>صلاحیت اضافی در تعدد اتهام در صورتی است که جرائم مختلف متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه واحدی بوده و تنها محل ارتكاب مختلف باشد و گرنه دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود که متهم ابتدا در دادگاهی محاکمه می شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد و پس از آن به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد و در صورتی که اتهامات از حیث درجه (کیفر) مساوی باشند متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب ← نظامی ← عمومی محاکمه می شود.</p> <p><b>ب) تعدد متهم:</b> فرضی است که دو یا چند نفر در تحقق عمل مجرمانه واحد نقش « مباشرت- شرکت - معاونت» داشته و رسیدگی به اتهام همه آنها مطرح باشد. معاونت: اقدام کسی است که بدون دخالت در عنصر مادی جرم با برانگیختن دیگر به ارتكاب جرم یا تسهیل وقوع آن به مباشرت جرم کمک می کند شرکت: همکاری دو یا چند نفر در ارتكاب یک جرم است به گونه ای که هر یک به نحوی در عنصر مادی جرم دخالت داشته و اعمال مادی جرم مستند به آنها باشد دخالت جمعی دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه : ارتكاب چند جرم متعدد با مرتکبین متعدد ، از کیفیات مشدده جرم است مثل سارقینی که دو نفر یا بیشتر باشد جرم سازمان یافته: همکاری سه نفر یا بیشتر در تحقیق یک نقشه مجرمانه با قصد تحصیل منافع مالی.</p> <p>* شرکاء و معاونین جرم در دادگاه محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام <u>مجرم اصلی</u> را دارد</p> <p>تشخیص مجرم اصلی در بین جرم: کسی که بیشترین نقش را در ارتكاب عمل مجرمانه بر عهده داشته و نسبت به دیگران سهم بیشتری در تحقیق آن داشته است</p>

آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری

<p>در صورتی که یک یا چند طفل با مشارکت یا معاونت اشخاص دیگر مرتکب جرم شده باشند بر جرائم اطفال در دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال رسیدگی خواهد شد و به جرائم شرکاء و معاونین بالای ۱۸ سال در دادگاه صالح رسیدگی خواهد شد. ماده ۳۱ آیین نامه دادرسی ها و دادگاه های ویژه روحانیت: اتهامات شرکاء - معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادرسی و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. دادگاه های نظامی: به اطلاق ماده ۱۹۸ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ عمل می شود: «شرکاء و معاونین جرم در محکمه ای محاکمه که صلاحیت حکم را درباره مجرمان اصلی دارد»</p>	<p><b>احاله</b></p> <p>بند دوم: <b>احاله</b>: عبارت است از واگذاری رسیدگی به یک اتهام از دادگاه واجد صلاحیت محلی به دادگاه دیگری که اصولاً صلاحیت محلی رسیدگی به آن را ندارد</p> <p>احاله امری استثنائی است، زیرا اصل بر این است که «پس از ارجاع پرونده نمی توان آن را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد. م. ۲۶۲ آ.د.ک و تبصره آن موارد احاله در سه مورد محصور است.</p> <p>۱- بیشتر متهمین در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند. ۲- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک به محل واقعه بهتر بتواند رسیدگی نماید. ۳- به منظور حفظ نظم و امنیت، هر گاه قوه قضائیه یا دادستان کل کشور تشخیص دهد، پس از موافقت دیوان عالی کشور پرونده به مرجع قضائی دیگر احاله خواهد شد.</p> <p>طریق احاله در موارد ۱ و ۲: احاله از حوزه ای به حوزه دیگر استان: به درخواست رئیس حوزه مبدا و موافقت شعبه اول دادگاه تجدید نظر همان استان. احاله از حوزه یک استان به استان دیگر: به درخواست رئیس حوزه قضائی مبدا و موافقت دیوانعالی کشور.</p>
<p>صلاحیت انحصاری:</p> <p>صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران: کلیه <b>اتهامات</b>: ۱- اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲- اعضاء شورای نگهبان ۳- نمایندگان مجلس شورای اسلامی</p> <p>۴- وزراء و معاونین آنها ۵- معاونان و مشاوران روسای قوای سه گانه ۶- سفراء ۷- دادستان و رئیس دیوان محاسبات ۸- دارندگان پایه قضائی</p> <p>۹- استانداران ۱۰- فرمانداران ۱۱- مدیران کل اطلاعات استان ها ۱۲- افسران نظامی و انتظامی سر تیپ به بالا</p> <p>* جرائم مندرج در قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمائی ← در صلاحیت مراجع قضائی پایتخت.</p> <p>* جرائم مربوط به قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی علائم تجاری ← در صلاحیت دادگاه های عمومی تهران.</p> <p>صلاحیت دادگاه های مرکز استان: کلیه جرائم ۱- مدیران کل وزارتخانه ها و سازمان ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت</p> <p>۲- روسای دانشکده ها و دانشگاه ها و موسسات عالی علمی ۳- روسای ادارات استان ها و شهرستان ها و شهرداران مراکز شهرستان ها، روسا و مدیران و اعضاء هیئت مدیره و هیات عامل شرکت ها و موسسات و سازمان دولتی ۴- روسا و مدیران سازمان و موسسات ممکنه، روسا و مدیران سازمان ها و موسسات مامور به خدمات عمومی ۵- کفیل و قائم مقام مقامات مذکور ۶- جرائم مطبوعاتی</p>	<p><b>صلاحیت انحصاری</b></p> <p><b>صلاحیت مراکز استانها</b></p>

## تعارض صلاحیت و حل اختلاف در آن

<p><b>تعارض صلاحیت</b></p>	<p><b>تعارض صلاحیت و حل اختلاف در آن</b> : اصولاً هر دادگاهی باید قبل از شروع به رسیدگی ، صلاحیت خود را براساس قواعد عمومی صلاحیت و موارد صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع ارزیابی و در صورت وجود صلاحیت به رسیدگی نسبت به این کار اقدام نماید و چنانچه صلاحیت نداشته باشد با صدور قرار <u>عدم صلاحیت</u> پرونده را به دادگاه صالح ارسال نماید و دادگاه و مرجع مذکور تکلیفی به قبول تشخیص دادگاه اول ندارد و <u>خود باید</u> صلاحیت خویش را احراز نموده و در صورت صلاحیت رسیدگی را شروع کند.</p> <p>تعارض صلاحیت : دو دادگاه نسبت به یک جرم همزمان از خود به نفع دیگری نفی صلاحیت کرده (تعارض منفی) یا نسبت به یک جرم هر یک همزمان خود صالح بدانند (تعارض مثبت) معمولاً تعارض مثبت کمتر رخ می دهد.</p> <p>صور تعارض در صلاحیت: الف) تعارض در صلاحیت ذاتی ب) تعارض در صلاحیت محلی.</p> <p><u>قاعده کلی</u>: همیشه حل اختلاف توسط مرجعی صورت می گیرد که نسبت به طرفین اختلاف مرجع بالاتر محسوب شود و نظر بالاتر متبع خواهد بود. حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری طبق قواعد مذکور در کتاب آیین دادرسی در امور مدنی خواهد بود.</p> <p><b>دادگاه نظامی ۱</b>: بین دادگاه نظامی ۱ و ۲ (نظر دادگاه نظامی ۱ متبع است) - دو دادگاه نظامی در حوزه قضایی یک استان</p> <p><b>دیوانعال کشور</b> : بین دادگاه های حوزه قضائی دو استان - دادگاه انقلاب و عمومی و نظامی به هر صورت - دیوان عالی کشور با دادگاه تجدید نظر - بین دادگاه اطفال و کیفری آن استان - اختلاف هر یک از مراجع قضائی یا مراجع غیر قضائی</p>
<p><b>ضمانت اجرای قواعد صلاحیت</b></p>	<p>ضمانت اجرای قواعد صلاحیت به طور کلی اصل بر <u>عدم اعتبار</u> اقدامات و تصمیمات مراجع قضائی فاقد صلاحیت است و رسیدگی باید در مرجع صالح انجام گیرد. چنانچه رای توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی ندارد صادر شده باشد باید در مرجع بالاتر <b>نقض</b> گردد. م ۲۴۹ ق.آ.د.ک ← ( عدم رعایت صلاحیت ذاتی ) عدم رعایت صلاحیت محلی: دو فرض وجود دارد.</p> <p>۱- نقض صلاحیت انحصاری دادگاههای پایتخت و رسیدگی در محل دیگر مثل محل وقوع جرم ← مرجع تجدید نظر رای را <b>نقض</b> و پرونده را به دادگاه صالح ارسال</p> <p>۲- نقض صلاحیت محلی دادگاه ← الف) ایراد هر یک از طرفین در تجدید نظر خواهی ← مرجع تجدید نظر رای را <b>نقض</b> و پرونده را به دادگاه صالح ارسال</p> <p>ب) عدم ایراد هر یک از طرفین عوا ← <b>عدم نقض</b> رای به علت صلاحیت محلی نداشتن دادگاه صادر کننده رای</p>
<p><b>اختلاف بین باز پرس و دادستان</b></p>	<p>قرار عدم صلاحیت صادره از جانب باز پرس باید به تایید دادستان برسد و در صورت اختلاف بین نظر دادستان و باز پرس مرجع حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی و یا انقلاب خواهد بود.</p>

## صلاحیت اختصاص هر یک از مراجع

### صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع رسیدگی:

- گفتار اول: (مراجع رسیدگی نخستین) مراجعی که پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی در دادسرا، اولین مرحله رسیدگی به اتهام متهم را برعهده دارند. (مراجع بدوی) بند اول: مراجع عمومی رسیدگی: صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارند مگر جرائمی به طور استثنائی در صلاحیت مرجعی دیگر قرار گرفته باشد.
- الف) دادگاه عمومی جزائی:** صلاحیت عام رسیدگی به کلیه جرائم را داراست مگر اینکه قانون رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مرجعی دیگر قرار داده باشد. در کلیه شهرستان ها با معیت یک دادسرا و در بخش ها (بدن دادسرا) تشکیل می شود و با حضور یک قاضی (رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل) رسیدگی می شود.
- ب) دادگاه اطفال:** در هر حوزه قضائی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال اختصاص داده می شود و این اختصاص مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن شعب نمی باشد. بنابراین هنوز در ایران یک دادگاه اختصاصی ویژه رسیدگی به جرایم اطفال وجود ندارد و دادگاه های مذکور جزئی از مجموعه دادگاه های عمومی جزائی هستند.
- صلاحیت دادگاه اطفال: رسیدگی به کلیه جرائم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام نه فقط افراد غیر بالغ و ملاک صلاحیت دادگاه سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم است نه رسیدگی
- طبق قانون آیین دادرسی کیفری: بر حسب اینکه متهم در زمان ارتکاب عمل بالغ بوده یا صغیر مقررات متفاوتی پیش بینی شده و به افراد نا بالغ که طفل می گویند مقررات متفاوتی از مقررات مربوط به افراد بالغ پیش بینی شده از جمله:
- ۱- لزوم حضور ولی یا سرپرست یا وکیل متهم در دادگاه و اگر تعیین نکند تعیین وکیل تسخیری برای او توسط دادگاه
  - ۲- قرار تامین متفاوت: قرار ها در مورد اطفال منحصر به قرار التزام ولی سرپرست طفل یا شخص ثالث به حاضر کردن او در موارد لزوم با تعیین وجه التزام **تودیع وثیقه** توسط ولی یا سرپرست یا شخص دیگر، **نگهداری موقت** طفل در کانون اصلاح و تربیت.
  - ۳- غیر علنی بودن رسیدگی: ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ک « رسیدگی به جرائم اطفال علنی نخواهد بود در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنها لازم بداند حاضر خواهد شد.» ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک « در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل رسیدگی در **غیاب متهم** انجام خواهد گرفت و در هر حال رای دادگاه **حضور** محسوب می شود.
  - ۴- تجدید نظر دادگاه در تصمیمات خود (استثنائات بر قاعده فراغ دادرس): دادگاه رسیدگی کننده بر جرائم اطفال حسب گزارشهایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنها از کانون اصلاح و تربیت دریافت می کند و می تواند در تصمیمات خود یک بار تجدید نظر نماید به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.
  - ۵- انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه: تبصره ۳ ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا. ← جرائم اطفال مستقیماً در دادگاه ها مطرح خواهد شد. و ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک « در جرائم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ۴۳ توسط دادرسی یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد...»
- نا بالغ ← پسر ← کمتر از ۱۵ سال تمام قمری  
دختر ← کمتر از ۹ سال تمام قمری

صلاحیت  
اختصاصی

### مراجع اختصاصی رسیدگی

<b>مراجع اختصاصی رسیدگی ویژگیها</b>	<p>مراجع اختصاص رسیدگی: مراجعی که اصولاً صلاحیت به هیچ جرمی را ندارند مگر جرائمی که به طور صریح در صلاحیت آنها قرار داده شده باشد. ویژگی های مراجع اختصاصی: ۱- محدودیت های حق دفاع متهم به شکل بر گزارى محاکمه <u>غیر علنی</u> یا عدم استقبال از برخورداری از وکیل در این مراجع ۲ - سرعت در رسیدگی و واکنش مخصوصاً در دادگاه های نظامی</p> <p>۱- اهداف تاسیس این مراجع: ۱- شدت عمل و سخت گیری بیشتر نسبت به متهمان مثل دادگاه انقلاب ۲- دقت عمل و سهل گیری بیشتر نسبت به برخی متهمان مثل دادگاه اطفال ۳- تنها افزایش دقت از طریق روش های نظیر تعدد قضات مانند دادگاه کیفری استان</p>
<b>مراجع قضائی</b>	<p style="text-align: right;"><b>الف) مراجع قضایی.</b></p> <p>۱- <u>دادگاه کیفری استان</u>: دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به چند جرم محدود و معین را دارد که یا به دلیل شدت مجازات و یا به لحاظ ابعاد سیاسی اجتماعی آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد لذا از لحاظ شان و رتبه و جایگاه قضائی جرئی از مجموعه دادگاه های تجدید نظر استان بوده و در آن اصل <u>تعدد قضات</u> حاکم است با توجه به اینکه این دادگاه شعبه ای از دادگاه های تجدید نظر استان هست مقر تشکیل آنها نیز شهرستان مرکز استان و حوزه صلاحیت آنها از لحاظ محلی، قلمرو کل آن استان است با این حال به منظور تسهیل یا تسریع در دادرسی به رئیس قوه قضائیه اجازه داده شده است که به طور موردی و موقت اقدام به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم نماید.</p> <p>دادسرا: دیگر دادسرای استان وجود ندارد و تحقیقات مقدماتی در دادسرای شهرستان محل وقوع جرم صورت می گیرد ( <b>جز جرائم منافی عفت</b> ) و چون حوزه قضائی بخش فاقد دادسرا است تحقیقات مقدماتی جرم بر عهده رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه بخش قرار دارد که به عنوان باز پرس عمل نموده و پس از صدور قرار نهایی پرونده را نزد دادستان شهرستان آن حوزه قضائی ارسال می کند تا وی با صدور کیفرخواست پرونده را برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان ارسال نماید.</p> <p>پس از ارسال پرونده از دادسرا به دادگاه کیفری استان <u>دادستان شهرستان مرکز استان</u> یا نماینده او قطع نظر از محل ارتکاب جرم وظایف دادستان (دفاع از کیفرخواست) را انجام می دهند</p> <p>جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است: ( قصر حماس - قاسم قرصه )</p> <p>۱- جرائمی که <u>مجازات قانونی</u> آنها قصاص عضو - قصاص نفس - اعدام - رجم - صلب - حبس ابد باشد</p> <p>۲- جرائم مطبوعاتی - سیاسی ( این جرائم در دادگاه تجدد نظر استان ابتدائاً، رسیدگی و در این خصوص دادگاه مذکور دادگاه کیفری استان نامیده می شود.</p> <p>تشکیل دادگاه با پنج نفر قاضی (یک رئیس - چهار مستشار) ← جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس - اعدام - رجم - صلب - حبس ابد باشد.</p> <p>تشکیل دادگاه با سه نفر قاضی (یک رئیس - ۲ متشار) ← جرائمی که مجازات قانون آنها <u>قصاص عضو</u> و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد</p> <p>حل تعارض صلاحیت دادگاه کیفری استان و دادگاه اطفال ← مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور است.</p> <p>* اگر متهم زیر ۱۸ سال بالغ یکی از جرائمی را مرتکب شده که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است به جرائم او در <b>دادگاه کیفری استان</b> رسیدگی می شود نه دادگاه اطفال ( مواد مخدر که مجازات آن اعدام در صلاحیت دادگاه کیفری استان اما مجازات اعدام نباشد همچنان دادگاه اطفال رسیدگی ) و اگر متهم فرد زیر ۱۸ سال بالغ مرتکب جرمی شود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه <b>انقلاب</b> است به جرم او همچنان در دادگاه اطفال ( <b>آشوری میگه دادگاه انقلاب</b> ) رسیدگی شد.</p>

## مراجع اختصاصی رسیدگی

	<b>مراجع قضایی</b>	<p>اگر شخصی متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلف باشد دادگاهی باید به اتهامات او رسیدگی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد. چنانچه بزهی به اعتبار ترتب یکی از مجازات هایی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است در آن دادگاه مطرح گرد و دادگاه پس از رسیدگی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن صلاحیت دادگاه عمومی جزائی است این امر موجب نفی صلاحیت دادگاه نخواهد بود و باید به این بزه رسیدگی و حکم متقاضی صادر نماید.</p>
<b>دادگاه نظامی</b>		<p>۲- <b>دادگاه نظامی:</b> دادستانی و دادگاه های نظامی بخشی از قوه قضایه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند صلاحیت: رسیدگی به جرائم مربوط به <u>وظائف نظامی</u> یا <u>انتظامی</u> اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی، سپاه پاسداران را محاکم نظامی مطابق قانون عهده دار است. جرائم مربوط به <u>وظائف خاص نظامی</u> و <u>انتظامی:</u> بزه های است که اعضای نیروهای مسلح درارتباط با <u>وظائف</u> و <u>مسئولیت های نظامی</u> و <u>انتظامی</u> که طبق قانون و مقررات برعهده آنهاست، مرتکب گردند.</p>
<b>افراد نظامی</b>		<p>جرم نظامی در معنای خاص: جرمی که ماهیتاً نظامی است و فقط توسط یک فرد نظامی قابل تحقق می باشد مثل فرار از خدمت - لغو دستور جرم نظامی در معنای وسیع: هر جرمی که فرد نظامی به مناسبت شغل یا وظیفه خودمرتکب می گردد مثل سرقت - اختلاس که ممکن است توسط غیر نظامی هم ارتکاب شود + جرائم خاص نظامی</p>
<b>جرائم دیگر</b>		<p>افراد نظامی: کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سازمانهای وابسته - کارکنان ارتش و سازمانهای وابسته - کارکنان سپاه و سازمانهای وابسته و بسیج کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی - کارکنان وظیفه - محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی - کسانی که به طور موقت در خدمت نیرو های مسلحت و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای مسلح محسوب می شوند.</p>
<b>جرائم اسراء</b>		<p>* هر گاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی <u>جرائم دیگر</u> کشف شود سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می باشد. * جرائمی که اسرای ایران عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت مرتکب و نیز اسرای بیگانه در مدت اسارت شان در کشور در سازمان قضائی نیرو های مسلح رسیدگی * جرائم مربوط به وظایف کارکنان وزارت اط و نیز مواردی که پرونده مشتمل بر اطلاعات طبقه بندی شده و اسرار ایران باشد در سازمان قضائی نیرو های مسلح رسیدگی * جرائم امنیتی و جرائمی حین خدمت نظامیان در سازمان قضائی نیرو های مسلح رسیدگی می شود.</p>
<b>تشکیلات سازمان قضایی نیرو های مسلح</b>		<p>* در تمامی موارد فوق جرائم ارتكابی در <u>مقام ضابط دادگستری</u> از صلاحیت دادگاه های نظامی خارج است و در صلاحیت <u>دادگاه های عمومی</u> است. متشکل از دادسرای نظامی و دادگاه نظامی بوده - در مرکز هر استان تشکیل می شود و در شهرستان های مورد نیاز، ناحیه دادسرای نظامی تشکیل می شود. دادگاه <u>نظامی ۱:</u> جرائم با کیفر اعدام - رجم - صلب - نفی بلد به عنوان حد جرائم با مجازات قطع عضو یا نقص عضو- با کیفر نصف دیه بالاتر - با کیفر جزای نقدی بیش از دویست هزار تومان دادگاه <u>نظامی ۲:</u> سایر جرایم دادگاه های نظامی بر طبق ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ و در مورد تجدید نظر مطابق قانون تجدید نظر ۱۳۷۲ رسیدگی می کنند (حبس بیش از ۱۰ سال زندان)</p>

## دادگاه انقلاب

<b>دادگاه انقلاب</b>	<p>دادگاه انقلاب : محل تشکیل این دادگاه ها شهرهای مرکز استان است و نیز در نقاطی که رئیس قوه قضایی ضرورت تشکیل این دادگاه را تشخیص دهد. و با وجود جرائم مهمی که در صلاحیت خود دارد تابع تعدد قضات نبوده و با یک قاضی تشکیل می گردد.</p> <p>جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد :</p> <p>۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افسار فی الارض (جرائم علیه امنیت پرواز یا ایمنی راه ها و راه آهن خارج از صلاحیت این دادگاه قرار می گیرد)</p> <p>۲- توهین به مقام بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری</p> <p>۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تقریب موسسات به منظور مقابله با نظام.</p> <p>انگیزه مقابله ← در هر سه شکل عمل متهم باید وجود داشته باشد      اقدام مسلحانه ← استفاده از سلاح برای مقابله با نظام</p> <p>ترور ← ارتکاب جرم علیه اشخاص یا اموال عمومی به منظور ایجاد رعب</p> <p>۴- جاسوسی به نفع اجانب      ۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر ← مهمترین مصادیق قاچاق : صدور اشیاء ممنوع الصدور - وارد کردن اشیاء ممنوع الورد خرید و فروش اموال در انحصار دولت- عدم پرداخت عوارض گمرکی کالاهای مجاز هنگام وارد کردن - وارد یا صادر کردن اسلحه یا خرید و فروش و نگهداری آن ونیز مخفی کرد اسلحه - وارد یا صادر کردن مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ یا خرید و فروش یا ساختن یا مخفی کردن آن - وارد یا صادر کردن دارو بدون مجوز وزارت بهداشت و درمان - جرائم مربوط به مواد مخدر← کلیه اعمال از قبیل کشت - تولید - توزیع- خرید و فروش- صادر یا وارد کردن- حمل - نگهداری مخفی کردن یا استعمال آن.      ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی ← دعاوی مربوط به استرداد اموال ناشی از ربا - غصب - رشوه - اختلاس - سرقت قمار- سوء استفاده از موقوفات- سوء استفاده از مقاطعه کاری ها- معاملات دولتی - فروش زمین های موات و مباحات اصلی - دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد نا مشروع ، جنبه های کیفری این عناوین در صلاحیت این دادگاه نیست لذا رسیدگی به اتهام ربا خوری و ارتشاء در صلاحیت دادگاه عمومی است.</p> <p>* در جرائم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب که از حیث نوع مجازات در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیز محسوب گردند دادگاه انقلاب صالح است</p>
<b>دادگاه ویژه روحانیت</b>	<p><b>دادگاه ویژه روحانیت :</b> ویژگیهای این دادگاه ← ۱- عدم تصویب قانونی برای تشکیل آن توسط قوه مقننه ۲- عدم تعلق آن به سازمان و تشکیلات رسمی قوه قضاییه و فعالیت تحت نظر رهبری      ۳- شعب دادگاه های ویژه روحانیت در شهر های محدود مشخص تاسیس گردیده و تابع اصل وحدت قاضی است. به جرائم مطبوعات ارتكابی توسط افراد روحانی با حضور هئیت منصفه رسیدگی می شود. صلاحیت دادگاه ویژه یک صلاحیت شخص و مبتنی بر شخصیت خاص مرتکب است.</p> <p>روحانی ← ۱- ملبس به لباس روحانی      ۲- مشغول به تحصیل در حوزه      ۳- با عدم وجود تحصیل در حوزه بدون لباس روحانیت بر تن کردن و اشتغال به کاری غیر از تحصیل عرفا روحانی محسوب شود.</p> <p>اعمالی که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه است ← ۱- کلیه جرائم روحانیون      ۲- کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون      ۳- اختلاف محلی مغلّ امنیت عمومی که طرف اختلاف روحانی است</p> <p>* در مواردی که دادگاه ویژه رسیدگی پرونده ای را به سایر مراجع قضائی ذیر بط واگذار کند مراجع مذکور موظف به رسیدگی هستند.</p> <p>* اتهامات شرکاء معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.</p>

## مراجع غیر قضایی

<p><b>مراجع غیر قضایی :</b> مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه های قضایی تشکیل شده و به تنها یی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند.</p> <p>۱- هیأت منصفه : جمعی متشکل از افراد عادی از اقشار مختلف جامعه است که در کنار قضات در امر رسیدگی کیفری دخالت دارند.</p> <p>طبق اصل ۱۶۸ ق.ا: « رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می کند »</p> <p>نحوه انتخاب هیات منصفه ← هر دو سال یک بار در مهر ماه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی رئیس کل دادگستری استان- رئیس شورای شهر- رئیس سازمان تبلیغات- نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور. در مراکز استان ها ← به دعوت مدیر کل فرهنگ و اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان - رئیس شورای شهر مرکز استان - رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نمایند او.</p> <p>هئیت مذکور در تهران ۲۱ نفر و سایر استانها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی از گروه های مختلف اجتماعی ( روحانیون - اسائید دانشگاه- پزشکان و مهندسان و نویسندگان و ...) به عنوان اعضای هیات منصفه انتخاب می کنند. * حضور هیات منصفه در رسیدگی ای کیفر الزام است.</p> <p>نقش و تاثیر این هیئت : پس اعلام نظر هیات منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا براءت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید.</p>	<p><b>هیات منصفه</b></p>
<p><b>شورای حل اختلاف :</b> به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی تاسیس شده اند و از سه عضو اصلی و دو عضو علی البدل تشکیل می شوند هیچیک از اعضای شورای کارمند قضائی نیستند و قضات و کارکنان دادگستری و وکلاء و مشاوران حقوقی و پرسنل نیروی انتظامی و اطلاعاتی حق عضویت در شورا را ندارند، در هر حوزه قضایی یک یا چند قاضی از میان قضات دادگستری به عنوان قاضی شورا انجام وظیفه می کنند.</p> <p>صلاحیت شورا و قاضی شورا : از یک دیگر تفکیک شده است و رسیدگی به برخی دعاوی حقوقی و امور حسبی به قاضی شورا و رسیدگی به برخی امور کیفری در صلاحیت شورا قرار دارد * در این امور شورا می تواند با تراضی طرفین اقدام به صلح و سازش میان آنها نماید: ۱- کلیه جرایم قابل گذشت ۲- در مورد جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت * صلاحیت شورا در رسیدگی به برخی جرایم : جرایم باز دارنده و اقدامات تامینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر تا سی میلیون ریال یا سه ماه حبس باشد. * از لحاظ اختلاف در صلاحیت: نظر مرجع قضائی متبع است.</p> <p>از لحاظ قابلیت اعتراض و تجدید نظر : کلیه آراء شورای حل اختلاف ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی است و مرجع تجدید نظر قاضی شورا که در صورت نقض رای خود اقدام به صدور رای می کند.</p>	<p><b>شورای حل اختلاف</b></p>
<p><b>سازمان تعزیرات حکومتی :</b> با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن کلی امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی اعم از امور بازرسی و نظارت ، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت محول می گردد تا براساس جرائم و مجازاتهای مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳ / ۱۲ / ۶۷ اقدام نماید. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۳.</p> <p>هر شعبه بدون با حضور یک رئیس و هر شعبه تجدید نظر با حضور یک رئیس و دو عضو تشکیل می شود. رای شعبه تجدید نظر قطعی و لازم الاجرا است.</p> <p>احکامی که می تواند صادر کند: مجازاتی هم چون جزای نقدی- تعطیلی موقت یا دائم یک واحد صنفی - محروم نمودن آن از تمام یا بعضی از خدمات دولتی.</p>	<p><b>سازمان تعزیرات حکومتی</b></p>

## مراجع رسیدگی تجدید نظر

<b>رد دادرسی</b>	<p>قاضی باید در موارد معینی برابر تضمین بی طرفی و پرهیز از شائبه جانبداری از یکی از طرفین پرونده از رسیدگی به پرونده خود داری ورزیده و آن را به قاضی دیگری واگذار نماید به این موارد جهات <u>رد دادرسی</u> می گویند.</p> <p>جهات رد دادرسی: الف) وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا اشخاص که در امر جزائی دخالت دارند مثل شرکاء و معاونین جرم ب) دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوا باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد. ج) دادرس یا همسر او یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاص باشد که در امر جزایی دخالت دارند. د) دادرس در همین امر جزائی قبلاً اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین باشد. ه) بین دادرس و یکی از طرفین یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی ۲ سال نگذشته باشد. و) دادرس یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.</p> <p>* اظهار نظر دادرس در مورد حل اختلاف بین دادستان و باز پرس و نیز رای دادرس بر قابل تعقیب دانستن متهم ضمن رسیدگی به اعتراض از قرار منع تعقیب از موارد رد دادرس <u>نمی باشد</u>.</p>
<b>تجدید نظر خواهی از رد اظهار رد دادرسی</b>	<p>رد دادرس به قاضی دادگاه اعلام می شود و چنانچه او مورد را از موارد رد دادرس بداند و ایراد را بپذیرد از رسیدگی خودداری کرده و با صدور قرار <u>امتناع</u> از رسیدگی رسیدگی را به دادرس علی البدل همان شعبه یا به شعبه دیگر ارجاع می دهد و در صورت نبودن هیچیک از این دو ، پرونده را به نزدیکترین دادگاه هم عرض ارسال می نماید. چنانچه قاضی ایراد را قبول نکند مکلف است ظرف <u>سه</u> روز با صدور قرار عدم قبول آنرا اعلام کند و به اتهام رسیدگی کند این قرار ظرف <u>ده</u> روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان است.</p>
<b>علنی بدن محاکمه محدود رسیدگی رای غیابی</b>	<p>رسیدگی به اتهامات اصولاً علنی خواهد بود و منظور از علنی بودن محاکمه عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می باشد خبر نگاران رسانه ها می توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری یا اجتماعی شاکی و متشکی عنه باشد منتشر نمایند تخلف از این حکم ، در <u>حکم اقرار</u> است. و نیز در جرائم مالی نظیر اختلاس یا قاچاق کالا و ارز که عواید حاصل از جرم بیشتر از یکصد میلیون ریال باشد مرجع تجدید نظر مکلف است حداکثر ظرف <u>شش</u> ماه به پرونده رسیدگی کرده و در صورت محکومیت به دستور دادگاه صادر کننده حکم قطعی، خلاصه حکم در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار و عند الزوم یکی از روز نامه های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه های عمومی گذاشته می شود.</p> <p>دادگاه در رسیدگی به پرونده فقط به جرایم مندرج در <u>کیفرخواست</u> وفق قانون آیین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و خارج از آن حق رسیدگی ندارد.</p> <p><b>رای غیابی</b> : رای هنگامی غیابی است که متهم یا وکیل او در هیچیک از جلسات دادگاه حاضر نشده و لایحه هم نفرستاده باشد و گرنه رای حضوری محسوب می گردد. آنچه اهمیت دارد حضور یا عدم حضور این اشخاص یا ارسال یا عدم ارسال لایحه در مرحله محاکمه است نه در مرحله تحقیقات مقدماتی.</p> <p>صدور حکم غیابی در سه مورد جایز است :</p> <p>الف) جرائم مربوط به حق الناس</p> <p>ب) جرائم مربوط به نظم حقوقی که جنبه حق الهی ندارد.</p> <p>ج) جرائم مربوط به حق الله در صدور حکم برائت در صورتی که محتویات پرونده دلالت بر عدم مجرمیت داشته و تحقیق ضروری نباشد.</p>

## واخواهی - تجدید نظر خواهی

<b>واخواهی مهلت واخواهی</b>	<p>واخواهی: اعتراض به حکم غیابی                  مهلت واخواهی: الف) ابلاغ واقعی: ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ (ب) ابلاغ قانونی: ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ                  اثر واخواهی: دادگاه اجرای رای را به صورت موقت و در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تامین یا تجدید نظر در تامین قبلی اقدام می نماید.                  امکان اجرای حکم: برای اجرای حکم غیابی ابلاغ حکم «چه واقعی و چه قانونی» کافی است.                  پس از واخواهی دادگاه دلایل اعتراض محکوم علیه را بررسی و در صورت نیاز وقت رسیدگی تعیین می کند تا طرفین حضور یابند و در صورت موثر نبودن اعتراض                  وخواه بدون دعوت طرفین و تشکیل جلسه حکم را تایید می کند حکمی که در این مرحله صادر می شود قابل تجدید نظر خواهی است.</p>
<b>تجدید نظر خواهی</b>	<p>اعتراض به حکم قبل از قطعیت: اصولاً حکمی که از سوی دادگاه صادر می شود قطعی نبوده و قابل اعتراض است که به آن تجدید نظر خواهی می گویند ولی با این                  همه قانونگذار اصل بر قطعیت گذاشته و قابلیت تجدید نظر را استثناء فرض کرده است «آراء دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است مگر در موارد...»                  آثار تجدید نظر خواهی: الف) اثر تعلیقی: تجدید نظر خواهی مانع قطعیت و لازم الاجرا شدن حکم می گردد.                  ب) اثر انتقالی: تقاضای تجدید نظر سبب انتقال رسیدگی از مرجع نخستین به مرجع تجدید نظر که اصولاً در رتبه ای بالاتر از مرجع قبلی قرار دارد می شود.                  اعتراض به حکم در دو مورد اثر تعلیقی ندارد: الف) در مورد حکم برائت ب) تعلیق مجازات (تعلیق تمام مجازات)                  شرط اثر تعلیقی در قانون: در صورتی که تقاضای تجدید نظر ظرف مهلت مقرر داده شده چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فساد مترتب باشد تا اتجاد                  تصمیم مرجع تجدید نظر اجرای حکم متوقف خواهد شد.                  آراء قابل نظر وجهات آن:                  الف) جرائم با مجازات قانونی اعدام یا رجم                  ب) جرائمی که به موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس و اطراف می باشد.                  ج) ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال                  د) جرائمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از <u>خمس</u> دیه کامل است.                  ه) جرائمی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال می باشد.                  و) محکومیت های انفصال از خدمت.                  ملاک تشخیص آراء قابل تجدید نظر: مجازات پیش بینی شده در قانون برای <u>عمل متهم</u> است نه مجازات مقرر در حکم.                  * منظور از آراء قابل در خواست تجدید نظر در موارد فوق اعم از محکومیت، برائت، منع تعقیب یا موقوفی تعقیب است.                  * در مواردی که رای دادگاه راجع به جنبه های کیفری و حقوقی (دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم) توأمأ صادر شده چنانچه یکی از جنبه های مذکور قابل درخواست                  تجدید نظر باشد جنبه دیگر رای به تبع آن قابل درخواست تجدید نظر خواهد بود.</p>
<b>اعتراض به حکم قبل از قطعیت آن</b>	

## تجدید نظر خواهی

<b>هزینه</b>	<p>تجدید نظر خواهی نسبت به جنبه کیفری ← نیازمند تنظیم فرم های مخصوص نبوده ولی مستلزم پرداخت هزینه مربوط به آن است با این حال استثنائاً هر گاه تجدید نظر خواه زندانی باشد ، از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدید نظر نسبت به امری که به موجب آن باز داشت است معاف خواهد بود.</p> <p>تجدید نظر خواهی نسبت به حکم ضرر و زیان ←</p> <p>الف) توسط مدعی خصوصی: مستلزم تقدیم دادخواست طبق مقررات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدید نظر</p> <p>ب) توسط محکوم علیه : مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و تقدیم دادخواست ( که بدون الصاق تمبر و پرداخت هزینه ممکن نیست ) نمی باشد</p>
<b>جهت</b>	<p>* جهات تجدید نظر خواهی : الف ) ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود یا دروغ بودن شهادت آنها</p> <p>ب) ادعای مخالف بودن رای با قانون      ج) ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی      د) ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رای</p> <p>* منظور از کلمه آراء : اعم از حکم یا قرار است . رای وحدت رویه ← اصل بر قابل اعتراض بودن قرار هایی است که اصدار آنها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوی را فراهم می سازد و بر این اساس صدور قرار <u>اناطه</u> توسط دادگاه را قابل تجدید نظر خواهی شناخته است.</p>
<b>دارندگان حق تجدید نظر خواهی</b>	<p style="text-align: center;"><u>دارندگان حق تجدید نظر خواهی و مهلت و مرجع درخواست:</u></p> <p>دادگاه صادر کننده حکم دادگاه <u>عمومی</u> جزائی یا انقلاب باشد ← الف) محکومیت علیه یا نماینده قانون او      ب) شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او</p> <p>ج) دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم</p> <p>دادگاه صادر کننده حکم یا رای <u>دادگاه کیفری استان</u> باشد: ← الف) محکوم علیه یا نماینده قانونی او      ب) دادستان</p> <p>ج) مدعی خصوصی یا نماینده قانون وی از حیث ضرر و زیان</p> <p>مهلت تجدید نظر خواهی: ← الف) اشخاص مقیم ایران : ظرف مدت بیست روز      ب) اشخاصی که اقامتگاه آنها در خارج از کشور است: ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ</p> <p>مرجع تسلیم درخواست تجدید نظر خواهی ← الف) دادگاه صادر کننده رای      ب) دفتر مرجع تجدید نظر      ج) دفتر بازنشتگان برای افرادی که در باز داشتند</p>
<b>مرجع تجدید نظر</b>	<p><u>مرجع تجدید نظر و نحوه رسیدگی:</u> در حال حاضر دو مرجع تجدید نظر با صلاحیت های متفاوت و مشخص وجود دارد که به اعتراض تجدید نظر خواه از حکم مرحله نخستین رسیدگی می کند.</p> <p>۱- دادگاه تجدید نظر استان : مرکب از یک رئیس و دو منتشر بوده و در مرکز هر استان تشکیل می شود و صلاحیت محلی آن نیز محدود به تجدید نظر نسبت به احکام دادگاه های مستقر در همان استان است.</p> <p>۲- دیوان عالی کشور: مرکب از رئیس متشاور عضو معاون است و قبل از صدور رای ، دادیار دیوان عالی کشور نیز مداخله نموده و در خصوص موضوع اظهار نظر می کند.</p> <p>* مرجع تجدید نظر از حکم دادگاه عمومی جزایی یا دادگاه انقلاب ← دادگاه تجدید نظر استان</p> <p>* مرجع تجدید نظر از احکام و آراء دادگاه کیفری استان ← دیوان عالی کشور</p>

## ادامه مباحث تجدید نظر خواهی

<p><b>نحوه رسیدگی در دادگاه تجدید نظر استان</b></p>	<p>نحوه رسیدگی دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور.</p> <p>نحوه رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان: این دادگاه به صورت ماهوی رسیدگی می کند بدین منظور اگر رسیدگی دادگاه نخستین را کافی نداند و برای شنیدن اظهارات طرفین و بررسی دلایل آنها را لازم بداند می تواند آنها را احضار نماید و برخلاف مرحله نخستین برگزاری جلسه محاکمه در دادگاه تجدید نظر استان الزام نبوده و بستگی به تشخیص لزوم آن توسط قضات این دادگاه دارد</p> <p>رای دادگاه تجدید نظر ممکن است مبنی بر تایید یا نقض حکم تجدید نظر خواسته باشد:</p> <p>تایید رای صادره از دادگاه نخستین ← پرونده را به دادگاه نخستین ارسال می کند (دادگاه صادر کننده حکم)</p> <p>نقض رای به علت عدم صلاحیت صادر کنند ← ارسال پرونده به مرجع صالح</p> <p>نقض رای به علت خلاف قانون یا شرع بودن ← رای را نقض و خود اقدام به صدور رای می کند.</p> <p>نقض قرار مثل قرار موقوفی و ... ← ارسال پرونده به دادگاه صادر کننده جهت رسیدگی ماهوی</p> <p>دادگاه تجدید نظر در صورت نقض رای و اقدام به صدور رای جدید برای صدور حکم برائت یا قرار موقوفی تعقیب با محدودیتی مواجه نیست ولی با اجتماع دو شرط نمی توان مجازات مورد حکم در مرحله بدوی را شدید کند:</p> <p>۱- مورد رسیدگی از جرائم تعزیری و باز دارنده باشد. ۲- دادستان یا شاکی هیچکدام در خواست تجدید نظر کرده باشند</p> <p>پس اگر جرم از جرائم تعذیری یا یازدارنده باشد و دادستان یا شاکی درخواست تجدید نظر کرده باشند دادگاه تجدید نظر می تواند مجازات را تشدید کند.</p> <p>اگر مجازات مقرر در حکم از نوع <u>حدی</u> باشد تشدید مجازات محکوم علیه حتی بدون درخواست تجدید نظر توسط دادستان یا شاکی با اشکالی مواجه نیست.</p>
<p><b>نحوه رسیدگی در دیوان عالی کشور</b></p>	<p>نحوه رسیدگی در دیوان عالی کشور: رسیدگی اصولاً ماهوینیست و <u>شکلی</u> می باشد و دیوان عالی کشور پس از نقض رای تجدید نظرخواسته ، خود به صدور رای نمی پردازد بلکه پرونده را جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه <u>هم عرض</u> دادگاه صادر کننده حکم ارسال می دارد لذا به این مرجع ، مرجع نقض و ابرام می گویند نه مرجع صدور حکم .</p> <p>تایید رای نخستین ← پرونده مختومه شده و جهت اجرای مفاد آن به مرجع صادرکننده رای اعاده می شود</p> <p>نقض رای صادره به علت نقض تحقیقات ← با ذکر موارد آن و دستور رفع نقض آن را به دادگاه صادر کننده رای اعاده می کند تا رفع نقض کرده و اقدام به صدور رای کند و این رای که صادر می شود قابل تجدید نظر خواهی بود.</p> <p>نقض رای به دلیل جرم نبودن یا در صورت جرم بودن ، مشمول مرور زمان شدن یا غیره ← نقض بلا ارجاع و مختومه شدن پرونده</p> <p>نقض رای به صورت قرار صادر شده باشد ← پرونده برای ورود به ماهیت و صدور حکم به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می شود.</p> <p>نقض رای تجدید نظر خواسته به علت خلاف قانون و دلایل موجود در پرونده بودن ← ارسال پرونده به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده رای</p> <p>نقض رای تجدید نظر خواسته به علت اینکه از دادگاه فاقد صلاحیت شده است ← ارسال پرونده به مرجعی که دیوان صالح تشخیص دهد.</p>

<p>رای اصراری</p>	<p>رای اصراری: وقتی که دیوان عالی کشور به دلیل مغایر بودن رای صادر شده از دادگاه بدوی را با قانون ، نقض می کند و پرونده را به دادگاه هم عرض ارجاع می دهد این دادگاه ممکن است رایی متفاوت از رای صادره از دادگاه اول را صادر یا همان رای صادر شده را دوباره صادر کند که در این صورت اخیر به رای صادر شده ، رای اصراری گویند این رای باز هم قطعی نبوده و قابل اعتراض است. در صورت اعتراض اگر رای مذکور با رای دادگاه قبلی متفاوت باشد شعبه دیوان به آن رسیدگی کرده و تصمیم می گیرد و اگر رای همانند رایی باشد که دیوان به آن رسیدگی کرده و آن را نقض نموده ، اگر اینبار استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را تایید میکند و گرنه پرونده را جهت اتخاذ تصمیم به هئیت عمومی شعب دیوان ارسال می کند ارسال می کند و اگر هیات عمومی آنرا صحیح دانست تایید می کند و اگر دادگاه نظر شعبه دیوان را صحیح دانست رای را نقض و به دادگاه هم عرض دیگری ارسال و دادگاه مذکور با توجه به استدلال هیات عمومی حکم متقضی را صادر، این حکم قطعی است.</p>
<p>تجدید نظر های تابع مقررات خاص</p>	<p>تجدید نظر های تابع مقررات خاص: تجدید نظر هایی که در قوانین عام مربوط به آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و تابع مقررات خاصی است.</p> <p>۱- احکام دادگاه های انقلاب در امور مربوط به مواد مخدر- احکام اعدامی که به موجب قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر صادر می شود پس از تایید رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم الاجرا است. در سایر موارد ، چنانچه حکم به نظر رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور در مضان آن باشد که بر خلاف شرع یا قانون است و یا آنکه صادر کننده حکم صالح نیست ، رئیس دیوان عالی یا دادستان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن این حق مانع قطعیت و لازم الاجرا بودن حکم نیست.</p> <p>۲- تجدید نظر خواهی از آراء دادگاههای نظامی ← آراء دادگاه نظامی ۲= دادگاه نظامی ۱ آراء دادگاه نظامی ۱ = دیوان عالی کشور</p> <p>۳- تجدید نظر خواهی از آراء دادگاه ویژه روحانیت: دادگاه تجدید نظر ویژه روحانیت ، مرکب از یک رئیس و دو متشار است.</p>
<p>اعتراض به حکم قطعیت</p> <p>اعاده دادرسی عام</p> <p>ویژگی های اشخاص که حق اعاده دادرسی</p>	<p>اعتراض به حکم بعد از قطعیت آن</p> <p>احکام قطعی: ۱- به موجب قانون در هنگام صدور قطعی و غیر قابل اعتراض باشد ۲- حکم در هنگام صدور قابل اعتراض بوده در ظرف مهلت مقرر به آن اعتراض نشده و قطعی شده باشد. ۳- حکم در هنگام صدور قابل اعتراض بوده و ظرف مهلت مقرر نیز نسبت به آن اعتراض صورت گرفته و در مرجع تجدید نظر رسیدگی و حکم صادر شده باشد (دادگاه صادر کننده حکم قطعی دادگاه تجدید نظر است.)</p> <p>برای اعتراض به احکام قطعی دو راه وجود دارد ← ۱- از طریق موافقت دیوان عالی کشور ۲- از طریق موافقت رئیس قوه قضائیه (اعاده دادرسی خاص)</p> <p>۱- اعاده دادرسی عام از طرق دیوان عالی کشور :</p> <p>مرجع اصلی و عام نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم ، دیوان عالی کشور است. این شیوه روشی است که بوسیله آن دادگاه دیگری هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی با موافقت دیوان عالی کشور یک بار دیگر به اتهام شخصی که در مورد او حکم قطعی صادر شده ، رسیدگی می نماید. مهمترین ویژگی اعاده دادرسی این است که اجرای مجازات موضوع حکم ، مانع اعتراض به آن حکم و در خواست اعاده دادرسی نیست و حتی اگر مجازات اجرا شده باشد محکوم علیه میتواند از طریق اعاده دادرسی و اثبات بی گناهی خود از تحمل مجازات تکمیلی و تبعی رهایی یافته و با رفع انگ از خود حیثیت از دست رفته خود را در جامعه بازیابد ونیز خسارت ناشی از اجرای ناروا را بخواهد. از طرف دیگر حتی فوت محکوم علیه نیز مانع استفاده از این طریق نیست و با اینکه فوت متهم یا محکوم علیه از جهات سقوط دعوای عمومی است و مانع ادامه تعقیب کیفری است اما امکان در خواست اعاده دادرسی پس از فوت محکوم علیه توسط وارث او وجود دارد.</p> <p>اشخاص که حق در خواست اعاده دادرسی دارند: ۱- محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او و در صورت غیبت یا فوت محکوم علیه همسر و وراث قانون و وصی او</p> <p>۲- دادستان کل کشور ۳- دادستان</p>

<p>جهات اعاده دادرسی</p>	<p>جهات اعاده دادرسی:</p> <p>۱- در صورتی که کسی به اتهام قتل شخص محکوم شده لیکن زنده بوده شخص در آن زمان محدد شود و یا ثابت شود که در حال حیات است.</p> <p>۲- در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم به گونه ای است که نما تواند بیش از یک نفر مرتکب داشته باشد</p> <p>۳- در صورتی که شخص به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضائی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره بی گناهی یکی از آن دو نفر محکوم احراز شود</p> <p>۴- جعلی بودن اسناد یاخلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنی حکم صادره شده بوده است ثابت گردد ۵- در صورتی که پس از صدور حکم قطعی جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه باشد ۶- در صورتی که به علت اشتباه قاضی کیفر حکم متناسب با جرم نباشد ۷- در صورتی که قانون لا حق مبنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانن سابق باشد که در لین صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید شدید تر از مجازات قبلی باشد</p>
<p>مواد اعتراض</p> <p>آثار اعاده دادرسی</p>	<p>اصولا اعاده دادرسی وسیله برای اعتراض به حکم محکومیت است نه حکم برائت لذا برای شاکی بعد از قطعیت حکم برائت حقی در قالب درخواست اعاده دادرسی شناخته نشده است در خواست اعاده دادرسی مهلت ندارد. تقاضای اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می شود و در صورت احراز انطباق در خواست با جهات اعاده دادرسی دیوان عالی کشور ضمن پذیرش اعاده دادرسی رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع می نماید.</p> <p>صرف تسلیم اعاده دادرسی موجب توقف اجرای حکم یا تاخیر در اجرای آن نیست حتی صدور دستور توقف اجرای حکم به تقاضای کسی پیش بینی نشده است اما اگر پس از رسیدگی به درخواست این در خواست مورد قبول قرار گرفت رای دیوان در پذیرش اعاده دادرسی اجرای حکم را ۰ در صورت عدم اجرا ۹ تا اعاده دادرسی و صدور حکم مجدد به تعویق خواهد انداخت. در این حالت به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن ( محکوم علیه) اگر تامین متناسب اخذ نشده باشد یا اخذ شده ولی منتفی شده باشد تامین لازم اخذ خواهد شد مرجع صدور قرار تامین: دادگاه که پس از صدور تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می نماید.</p> <p>گذشت شاکی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نیست ولی گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت موجب می شود تا محکوم علیه بتواند که از دادگاه بخواهد که در میزان مجازات تجدید نظر نماید.</p>
<p>اعاده دادرسی خاص</p>	<p>اعاده دادرسی خاص از طریق رئیس قوه قضاییه: از انجام که تجویز این شکل از اعاده دادرسی در اختیار شخص خاص است آن را اعاده دادرسی خاص نامیده اند آراء قطعی دادگاه های عمومی و انتقال نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رای به تشخیص رئیس قوه قضاییه خلاف بین شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به موجه صالح برای رسیدگی ارجاع می شود. خلاف بین شرع: مغایرت رای با مسلمات فقه و در موارد اختلاف نظر میان فقها نظر ولی فقیه یا مشهور فقها ملاک واقع می شود تشخیص رئیس قوه قضایه به معنای تجویز اعاده دادرسی است. به درخواست کننده اعاده دادرسی از رئیس قوه قضاییه «متقاضی» گفته می شود.</p> <p>مهلت تقاضای این اعاده دادرسی: یک ماده از تاریخ قطعیت حکم (ابلاغ رای قطعی) مرجع تسلیم در خواست: اعاده دادرسی از آراء:</p> <p>۱- ابرام شده در دیوان عالی کشور: رسیدگی و ارجاع به دادگاه همعرض صادر کننده حکم بدری قطعی شده در دادگاه تجدید نظر</p>

## دلایل اثبات در امور کیفری

<b>دلایل اثبات</b>	<p>دلیل: هر گونه وسیله ای که وجود یا عدم امری را و یا صمت و سقم ادعایی را اثبات کند.</p> <p>اهمیت دلیل: دلایل در امور کیفری از اهمیت بیشتر نسبت به امور حقوقی برخوردارند. در واقع به غیر از اهمیت منافع حقوقی که محدود کردن آنها در امور کیفری مطرح است طبع خاص موضوع دلیل نیز بر اهمیت آن در این امور افزوده است بر خلاف امور حقوقی که طرفین یک رابطه حقوقی در هنگام ایجاد حقوق و تکالیف ناشی از آن به ایجاد دلیل اثبات آن نیز مبادرت می ورزند در امور کیفری اصولا اثبات وقایعی مطرح است که تحقیق آنها از پیش مطرح نبوده و کسی در صدد تهیه آن نیز بر نیامده است لذا نقش قاضی در امور کیفری فعال تر از رسیدگی های حقوقی است.</p>
<b>تکلیف ارائه دلیل</b>	<p>۱- محتوای اصل براءت: یکی از اصول تضمین کننده حقوق و آزادی های فردی است که مطابق آن هر کس بی گناه فرض می شود مگر اینکه ارتکاب جرمی توسط او به اثبات برسد. ۲- آثار براءت: ۱- با ارائه دلیل مجرمیت بر عهده دادستان است که در دعوای عمومی طرف اصلی متهم محسوب می شود و در صورت وجود شاکی خصوصی وی نیز همچون دادستان مکلف است که دلیل مجرمیت متهم را ثابت کرده و ارائه دهد.</p> <p>برای اثبات انتساب جرم به متهم هر جرمی سه عنصر قانونی - مادی - معلوی دارد که باید دلیل اثبات هر یک از اینها ارائه شود:</p> <p>عنصر قانونی: ثابت کردن وجود متن قانونی است که عمل منتسب به متهم را جرم دانسته و در زمان ارتکاب آن لازم الاجرا بوده است و با انتشار کلیه قوانین در روزنامه رسمی اثبات آن دشوار نیست.</p> <p>عنصر مادی: تجلی خارجی فکر مرتکب است که معمولا به صورت فعل - ترک فعل حالت- وضعیت- نگهداری بروز می کند مهمترین بخش اثبات جرم است.</p> <p>عنصر روانی: حالت ذهنی مرتکب یا محتوای ذهن او در هنگام ارتکاب عمل است که حسب مورد موجب تحقق جرم عمدی یا غیر عمدی می شود این حالت ذهنی در برخی جرائم حالت قصد و خواست ارتکاب عمل و در برخی صرف بی احتیاطی و بی مبالاتی در ارتکاب عمل است. اثبات آنچه در هنگام ارتکاب عمل در ذهن متهم می گذشته بسیار دشوار است زیرا با وجود اثبات عنصر مادی متهم سعی در انکار قصد ارتکاب جرم و تحصیل نتیجه مجرمانه دارد تا با عدم اثبات عمدی بودن از مجازات جرم عمدی رهایی یابد و یا اصلا از مسئولیت کیفری رها شود.</p> <p>۲- اثر ذکر شده ین نتیجه را به دنبال دارد که پس از اثبات مجرمیت متهم در صورت ادعای وجود یک حامل توجیه کننده یا صلب مسئولیت کیفری متهم باید آنها را ثابت کند البته علی المدعی ۳- چون اصل بر براءت است متهم مجبور به اثبات بی گناهی خود نیست چرا که اصل نیاز به اثبات ندارد لذا هر گونه شکنجه یا اجبار به شهادت اقرار - سوگند مجاز نیست و فاقد آثار قانونی اند. ۴- تفسیر به نفع متهم چرا که اصل بر براءت است و خروج از اصل نیازمند دلیل است نه بقاء بر اصل.</p> <p>۵- آزادی متهم به طور فوری پس از صدور حکم براءت متهم حتی قبل از قطعیت حکم.</p> <p>نظام دلایل قانونی: دلایل و ارزش اثباتی هر دلیل از قبل تعیین گردیده و در صورت ارائه آنها قاضی حتی بر خلاف عقیده خود ناگزیر از صدور حکم براساس آن دلایل است و در دوره ای که از نظام دادرسی تفقیص پیروی می کرد توجیه پذیر بود تا از خود کامگی قضات جلوگیری کند.</p> <p>نظام اعتقاد درونی - اقناع وجدانی: قاضی ملزم به قبول هیچ دلیلی نیست بلکه در ارزیابی هر دلیل آزادی کامل دارد و تنها محدودیت از آزادی دلیل استفاده از طریق غیر قانونی برای تحصیل و بهره برداری از دلیل است یعنی دلایلی که به نحو غیر قانونی به دست آمده است و این برای تضمین سلامت دادرسی و جلوگیری از سوء استفاده مقامات قضایی و ضابطین دادگستری از مقام خود است. از این رو از اصل درستکاری در تحصیل دلیل سخن گفته شده است</p>

## ارزیابی بی دلایل

<b>ارزیابی دلایل</b>	<p>ادامه بحث ارزیابی دلایل:</p> <p>در جرائم مستوجب حد، قصاص، دیه: نظام دلایل قانونی</p> <p>در سایر جرائم – نظام اقسام وجدانی</p> <p>قاضی مجبور نسبت که اگر اعتقاد به بی گناهی متهم دارد به اقرار و توجه کند یا با اطلاع از اینکه اقرار متهم تحت شکنجه صورت گرفته به این استناد (اقرار) او را محکوم کند.</p> <p>لازم نیست که قاضی برای صدور حکم محکومیت متهم، همیشه به علم و اقناع وجدانی برسد بلکه دلایلی مانند اقرار – شهادت هم عرضی علم قاضی موجب اثبات جرم تلقی شده اند نه این که لزوماً موجب علم قاضی برای اثبات جرم گردند.</p>
<b>مهمترین دلایل اثبات</b>	<p>مهمترین دلایل اثبات: در نظام اقناع وجدانی باز گشت همه دلایل به علم قاضی است.</p> <p>اقرار: قبول ارتکاب عمل مجرمانه توسط کسی که آن عمل به او نسبت داده شده است. « اقرار العقلاء علی لفسهم جائز» ولی با این حال در اهمیت اقرار نیز نباید اغراق نمود و بدون هیچ تحقیقی آن را پذیرفت زیرا اقرار گاهی به دلایل احساسات یا دلایل عاطفی برای رهانیدن مرتکب اصلی از تعقیب و مجازات صورت می گیرد.</p> <p>در بهره برداری از اقرار قاضی می تواند مفاد آنرا تجربه کند و بر خلاف تمور مدنی که اقرار در آن غیر قابل تفکیک است در امور کیفری اصل بر قابل تفکیک بودن اقرار است</p> <p>شهادت: بیان آنچه شاهد دیده به نفع و به ضرر اشخاص ثالث</p> <p>تزلزل شهادت: به دلیل دوری یا نزدیکی شاهد به محل وقوع جرم- شرایط جوی و اقلیمی نظیر تاریکی یا روشنی هوا قدرت بینایی، گذشت زمان و فراموشی و ... ادای شهادت الزامی نیست هر چند شاهد پس از دوباره احضار جلب می گردد ولی باز هم در صورت جلب و حضور مکلف به ادای شهادت نیست.</p> <p>متهم از حقوق برخوردار است مثل داشتن وکیل که شاهد از آن برخوردار نیست لذا متهم را نمی توان به عنوان شاهد احضار و پس اتهام را به وی تفهیم نمود.</p> <p>شرایط شاهد که به عنوان دلیل شرعی شهادت می دهد: ۱- بلوغ ۲- عقل ۳- ایمان ۴- طهارت مولد ۵- عدالت ۶- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از او ۷- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوی ۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی.</p> <p>مطلع اگر کسی که خود به طور عینی واقعه مورد نظر را ندیده است صرفه اقدام به ارائه اطلاعات خود از آن واقعه نماید چنین کسی مطلع نامیده می شود و اظهارات او ارزش شهادت را ندارد بلکه در حدود اماره قضائی قابل بهره برداری است.</p> <p>امارت قضای: وقایعی که در نظر قاضی می تواند نشانه وقوع یا عدم وقوع امری باشد ارزیابی بی میزان اعتبار و دلالت این امارت با قاضی است که با فقدان دلایل دیگر نقشی مهمی در کشف حقیقت دارند. مثل نظر کارشناس در صورت مغایرت عقیده کارشناسی با اوضاع و احوال قضیه قاضی الزام به تعبیت از آن نداشته و می تواند براساس قوانین دیگر حکم صادر و یا موضوع را جهت بررسی مجدد به کارشناسان دیگر ارجاع نماید.</p>

دپارتمان حقوق انجمن علمی پویش

[www.hoogog.blogfa.com](http://www.hoogog.blogfa.com)

دپارتمان حقوق انجمن علمی پویش

[www.hoogog.blogfa.com](http://www.hoogog.blogfa.com)